

## سنجش نشاط اجتماعی زنان بر اساس پایگاه اقتصادی-اجتماعی در شهر اصفهان

آرمین امیر<sup>۱</sup>

سحر فائقی<sup>۲</sup>

### چکیده

این پژوهش با هدف سنجش میزان نشاط اجتماعی زنان اصفهانی بر اساس پایگاه اقتصادی اجتماعی آن‌ها انجام گرفته است. تحقیق از نوع توصیفی و روش آن پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش، کلیه زنان ۱۵ تا ۶۵ سال ساکن در شهر اصفهان را شامل می‌شود که از میان آن‌ها با استفاده از جدول مورگان، تعداد ۳۹۵ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای در نمونه آماری قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه استاندارد نشاط آکسفورد (OHQ) جمع‌آوری شد و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS23 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج آزمون T تک نمونه‌ای نشان داد که میزان نشاط اجتماعی و ابعاد آن در نمونه پژوهش به‌طور معنی‌داری پایین‌تر از حد متوسط است ( $p < 0/05$ ). نتایج تحلیل واریانس نیز نشان داد، تفاوت میانگین نمرات نمونه بر اساس پایگاه‌های اقتصادی اجتماعی در عامل نشاط اجتماعی و ابعاد آن شامل رضایت از زندگی، همدلی، چشم‌انداز مثبت، بهزیستی و عزت‌نفس، معنادار است ( $p < 0/05$ ). نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که پایگاه‌های اقتصادی اجتماعی و

<sup>۱</sup>. استادیار گروه مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی armin.amir@atu.ac.ir

<sup>۲</sup>. دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) نویسنده مسئول: s.faeghi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۱

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۴/۴

سن، پیش‌بین‌های معنی‌دار نشاط اجتماعی در زنان بودند.

### واژگان کلیدی

نشاط اجتماعی، زنان، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، اصفهان

### مقدمه و بیان مسئله

نشاط و شادی<sup>۱</sup> یکی از احساسات ریشه‌ای مثبت و از ضروری‌ترین خواسته‌های فطری و نیازهای روانی انسان و از مباحث اساسی انسانی برای تمام نسل‌هاست و به دلیل تأثیرات عمده‌ی آن بر بهسازی و سالم‌سازی فرد و جامعه از طریق ایجاد خرسندی، خوش‌بینی، امید و اعتماد؛ مدت مدیدی است که ذهن آدمیان را در به خدمت گرفتن این مهم در فرآیند توسعه جامعه به خود مشغول کرده است (شریف‌زاده، میرمحمدبار، عدلی پور، ۱۳۹۶؛ عنبری و حقی، ۱۳۹۳: ۲). چنان‌که در قرن هجده میلادی، بنتام<sup>۲</sup> معتقد بود که هدف سیاست عمومی، بایستی به حداکثر رساندن مجموع میزان نشاط در جامعه باشد (لایارد<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳) و این بیشینه کردن شادی در قالب اصطلاحات و راهبردهای مختلف تا به امروز نیز در عمده‌ی میدان‌های جامعه‌مدرن متأخر پیگیری شده است.

به دنبال تحول جوامع و تعالی تفکر بشر، از قرن بیستم، نشاط به‌عنوان مقوله‌ی بین‌رشته‌ای در تحقیقات اجتماعی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده‌است (تمیزی فر، ۱۳۹۲)؛ این اهمیت تا آنجاست که از سال ۲۰۰۰، سازمان ملل برای تعیین سطح توسعه‌یافتگی کشورها، متغیرهای نشاط یا شادکامی، امید به آینده و رضایت‌مندی را به‌عنوان متغیرهای کلیدی وارد محاسبات

<sup>۱</sup>. در متون فارسی که از منابع انگلیسی نقل قول کرده‌اند، واژه‌های متفاوتی معادل happiness قرار داده شده که مهم‌ترین آن‌ها نشاط، شادی، و شادکامی است. ما نشاط را معادل بهتری یافتیم اما هرکجا از مقاله دیگری نقل قول کرده‌ایم همان واژه‌ای که نویسندگان همان مقاله به کار برده بودند را بدون دخل و تصرف ذکر کرده‌ایم.

2 Bentham

3 Layard

کرده است، به این صورت که اگر مردم یک جامعه احساس شادکامی، خشنودی و رضامندی نکنند، نمی‌توان آن جامعه را توسعه‌یافته (به‌ویژه در حوزه توسعه اجتماعی) قلمداد نمود (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۹). لذا شادکامی در دهه‌های اخیر، به‌منزله یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رفاه و توسعه اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات توسعه و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و رفاهی پیدا کرده است (مرادی و هزارجریبی، ۱۳۹۸)؛ چنان‌که تین معتقد است که سنت سیاست‌گذاری اجتماعی که به‌منظور به حداقل رساندن مضرات اجتماعی (آلودگی محیط زندگی، جهل، نیازمندی، بطالت و بیماری) به وجود آمد، دلیلی است برای اینکه دانشمندان اجتماعی به سیاست‌گذاران پیشنهاد کنند تا برای تقویت زندگی‌های خوب و جامعه خوب، به مفهوم «نشاط» رجوع کنند (تین، ۲۰۱۲).

در سال‌های اخیر، آثار علمی در علوم اجتماعی در رابطه با نشاط و بهزیستی ذهنی افزایش یافته است. در سطح فردی، محققان بر تعیین‌کننده‌های بهزیستی ذهنی متمرکز شده‌اند و یا سیاست‌های ملی در سطح کلان را مورد ملاحظه قرار داده‌اند، اما تین موضعی متفاوت و اصیل‌تر اتخاذ می‌کند مبنی بر آنکه نشاط اجتماعی نور تازه‌ای بر گفتمان سیاست‌گذاری محور می‌تاباند که بر سطح میانی متمرکز هستند، به‌طوری‌که معتقد است نشاط اجتماعی از طریق روزه‌های فرهنگی و اجتماعی به‌واسطه‌ی تعاملات روزمره در خانواده‌ها، مدارس، محلات یا محل کار بازتولید می‌شود.

از مجموع تعاریف موجود، لو و گیل‌مور<sup>۲</sup> برای مفهوم نشاط، چهار تعریف استخراج کرده-

اند:

۱- نشاط حالت ذهنی است. وقتی روح، قوی باشد، ذهن، آرام و پایدار می‌شود، آن موقع نشاط، امکان ظهور پیدا می‌کند.

۲- نشاط را می‌توان از چهار جنبه تعریف کرد: (الف) عاری بودن از رنج‌ها، بیماری یا ناتوانی-های جسمی. (ب) پذیرفتنی بودن به لحاظ اجتماعی، در کنار افراد دیگر بودن، محترم شمرده

1 Thin

2 Lu & Gilmour

شدن و مورد مراقبت قرار گرفتن، منزوی نبودن؛ (پ) عاری بودن از نگرانی و سختی، قادر به زندگی بی‌دغدغه و شاد بودن؛ و (ت) داشتن ذهن سالم و عادی، پذیرفته‌شده در جامعه.

۳- نشاط خیلی عالی است و یکی از مهم‌ترین حس‌هایی به‌شمار می‌رود که هر شخص یا هر موجود زنده‌ای در پی آن است؛ تلاش برای دستیابی به نشاط، یکی از اهداف مهم زندگی است.

۴- نشاط یعنی عقب رانده نشدن با محدودیت‌های جامعه. نشاط، پاداش همه سخت‌کوشی‌ها در زندگی است (لو و گیل‌مور، ۲۰۰۴).

از دیدگاه عنبری (۱۳۹۱) نیز نشاط در فرایند رابطه فرد با جامعه و گروه تحقق پیدا می‌کند؛ در غیر این صورت، از منظر ناظر بیرونی، نشاط چیزی جز مجموعه‌ای از کیفیات روحی و هیجان‌های طرب‌انگیز فردی نخواهد بود. اگر این کیفیات فرح‌بخش، واجد معانی اجتماعی و اهداف جمعی نباشند، تعریفی جز برخی حالات نابهنجار روحی جنون‌آمیز نخواهند داشت؛ بنابراین، نشاط اجتماعی همان سطح برخورداری از مواهب زندگی عمومی همراه با اقتناع ذهنی و اجماع عینی است. بر اساس تعریف عنبری نشاط از منظر اجتماعی چارچوب مفهومی کیفیت زندگی، رضامندی اجتماعی، امنیت اجتماعی، سلامت اجتماعی، رفتارهای جمعی و فراغت را پوشش می‌دهد. این مفاهیم به‌نوعی متناظر با نشاط و شادمانی هستند (اخشی و گلابی، ۱۳۹۴). آنچه مسلم می‌نماید، این است که هرگونه طراحی و اجرای برنامه و سیاستی برای شادکامی می‌بایست متکی به پشتوانه‌ای قوی و غنی از تحقیقات باشد؛ این در حالی است که به نقل از هزارجریبی و مرادی (۱۳۹۶)، شواهد موجود، ازجمله گزارش‌های جهانی شادکامی (هلی‌ول و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸) و نیز نتایج پژوهش‌های متعدد داخلی (ذکایی، ۱۳۹۵؛ معیدفر، ۱۳۸۵؛ باصری، ۱۳۸۹؛ گنجی، ۱۳۸۷؛ چلبی و موسوی، ۱۳۸۷)، وضعیت نسبتاً نامطلوب شادی در جامعه ایران را نشان می‌دهند. چنانچه در آخرین گزارش نشاط گالوپ<sup>۲</sup> مشاهده می‌شود که ایران رتبه ۱۰۸ از میان ۱۵۷ کشور را از آن خود

1 Helliwell

2 Gallup Company



کرده است و در این زمینه جایگاه مناسبی ندارد<sup>۱</sup>. همچنین بر اساس این گزارش، مردم ایران با ۵۰ درصد جمعیت عصبانی، به عنوان عصبانی ترین مردم جهان معرفی شده اند (گزارش جهانی شادمانی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). از سوی دیگر، به لحاظ شاخص های مؤثر بر کامیابی نیز در جایگاه مناسبی قرار ندارد؛ با توجه به آخرین گزارش مؤسسه لگاتوم<sup>۳</sup> که همه ساله برخی مؤلفه های رفاهی ۱۴۲ کشور جهان را بررسی و رتبه بندی می نماید، رتبه ایران در حوزه سرمایه اجتماعی ۷۰ و در حوزه اقتصادی ۱۰۳ است (شاخص رفاه لگاتوم<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷). در رابطه با پایتخت ایران، مطابق گزارش NUMBEO<sup>۵</sup> در سال ۲۰۱۸ به نقل از میکاییلی و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی شاخص کیفیت زندگی، رتبه شهر تهران در مقایسه با شهرهای کشورهای دیگر از میان ۵۲۶ شهر ۴۳۳ ام بوده است. این رتبه شرایط لازم توجهی از وضعیت کیفیت زندگی در ایران را نشان می دهد.

گزارش های ارائه شده مبنی بر وضعیت ایران در شاخص های مربوط به نشاط اجتماعی و شادی، بر ضرورت انجام مطالعات نظام مند در این حوزه اشاره دارد. شهر اصفهان به عنوان یکی از کلان شهرهای مهم ایران نیز به رغم جایگاه نسبتاً مناسب در توسعه اقتصادی، به لحاظ توسعه اجتماعی با تأکید بر سازه سرمایه اجتماعی در بین تمام شهرهای استان اصفهان رتبه آخر را دارد (قاسمی، اسماعیلی و ربیعی، ۱۳۸۵). یافته های تمیزی فر (۱۳۹۲) نیز حاکی از آن است

<sup>۱</sup> در «گزارش جهانی شادمانی» که در سال ۲۰۱۵ منتشر شد، ایران در میان ۱۵۷ کشور مورد بررسی با نمره ۴/۹ رتبه ۱۰۵ را در اختیار داشت. در محاسبه شاخص مورد بررسی در گزارش جهانی شادمانی، علاوه بر تورم و درآمد سرانه، شاخص های هزینه سلامت، آزادی و حق انتخاب و حمایت های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است (میکاییلی و همکاران، ۱۳۹۶).

2 World Happiness Report

3 Legatum

4 Prosperity Index Legatum

<sup>۵</sup> پایگاه اینترنتی NUMBEO بزرگترین پایگاه داده در جهان است که اطلاعات جدیدی را در مورد شرایط زندگی در شهرها و کشورهای جهان از جمله هزینه های زندگی، شاخص مسکن، مراقبت های بهداشتی، ترافیک، جرم و جنایت و آلودگی نشان می دهد.

که در شهر اصفهان زمینه‌های بروز استرس روانی و هیجانات منفی وجود دارد و در این میان عدم احساس نشاط، رضایت و آرامش در میان خانوارها و به‌ویژه در جامعه زنان اصفهانی بالاست. بر این اساس، به نظر می‌رسد که شهر اصفهان نیز به لحاظ نشاط اجتماعی جایگاه مناسبی نداشته باشد. مطالعات مورد اشاره بر احتمال وضعیت نامناسب نشاط اجتماعی در شهر اصفهان دلالت می‌کند و همین امر اهمیت انجام پژوهش‌های تجربی و شناسایی عوامل اثرگذار بر نشاط اجتماعی را دوچندان می‌نماید. شایان توجه است که طبق مطالعه‌ی هزارجریبی و مرادی (۱۳۹۶) عمده تحقیقات انجام‌شده در ایران با موضوعیت نشاط یا شادکامی از یک‌سو با غلبه‌ی نگاه روان‌شناسانه صورت گرفته و درصدد شناسایی عوامل اثرگذار بوده‌است و یا برخی از تحقیقات صرفاً به ارائه‌ی پیشنهادهایی چند بسنده نموده و به سمت سیاست‌گذاری حرکت نکرده‌اند و از سوی دیگر تحقیقاتی که با محوریت جامعه زنان به موضوع نشاط اجتماعی پرداخته باشند، انگشت‌شمارند. این در حالی است که نشاط و شادکامی اجتماعی به‌عنوان متغیرهای مهم در نیل به پیشرفت و توسعه، زمانی به‌طور پایدار تحقق خواهد یافت که جامعه از نیروی مولد خود (زن و مرد) استفاده کند (عنبری و حقی، ۱۳۹۳).

با وجود ضرورت نشاط زنان به‌عنوان عنصری مهم و کلیدی در توسعه‌ی اجتماعی و فرهنگی جامعه، پژوهش‌های داخلی محدودی (ازجمله: موسوی، پیوسته‌گر و پورشهریاری، ۱۳۸۹؛ خسروی و چراغ ملایی، ۱۳۹۱؛ عنبری و حقی، ۱۳۹۲؛ عنبری و حقی، ۱۳۹۳؛ رزم‌گر و اصغری ابراهیم آباد، ۱۳۹۹) انجام‌گرفته که نقش زنان را برجسته نموده‌اند، براین اساس با توجه به اهمیت نشاط اجتماعی زنان در زندگی معاصر و مخصوصاً نقش مهم آن در تعیین و بازتولید جامعه‌ی سالم، هدف غایی پژوهش حاضر سنجش نشاط اجتماعی زنان اصفهانی بر اساس پایگاه اقتصادی اجتماعی است؛ به‌عبارت‌دیگر هدف اصلی ما در این تحقیق بررسی این مسئله است که میزان نشاط اجتماعی در طبقات گوناگون (بالا، متوسط و پایین) در بین شهروندان زن اصفهانی به چه میزان است؟ و همچنین آیا میزان نشاط اجتماعی شهروندان زن اصفهانی بر اساس پایگاه اقتصادی-اجتماعی‌شان تفاوت دارد؟ و درنهایت اینکه ویژگی‌های



جمعیت شناختی (سن، طبقه اجتماعی و برخورداری محل سکونت) در پیش‌بینی نشاط اجتماعی شهروندان زن اصفهانی چه نقشی دارند؟

### ملاحظات نظری

**نشاط اجتماعی:** هالر و هادلر<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) معتقدند که پنج رویکرد مختلف برای تبیین نشاط وجود دارد. رویکرد اول، نشاط را به‌مثابه ویژگی ثابت فرد می‌پندارد: برخی روان‌شناسان اعتقاد دارند نشاط، ویژگی ثابت افراد و شخصیت آن‌هاست. آن‌ها معتقدند که نشاط از طریق ساختارهای روانشناختی-عصبی در هنگام تولد به کودکان منتقل شده و این باعث می‌شود که برخی مثبت‌گرا و خوش‌بین باشند و برخی بدبین و افسرده. رویکرد دوم، نشاط را به‌مثابه پیامد شرایط عینی زندگی در نظر می‌گیرد. نشاط، مشروط به شرایط عینی زندگی است. مارکس در دست‌نوشته‌های اولیه فلسفی (برخلاف فیلسوفان ایده‌آلیست) معتقد است که شرایط مادی عینی، تعیین‌کننده سرنوشت آدم‌هاست نه ایده‌ها و ارزش‌های آن‌ها. رویکرد سوم، نشاط به‌مثابه عملکرد فایده‌مند افراد است. این فایده‌مندی بیشتر ناظر بر فایده‌مندی اقتصادی، شبکه‌های اجتماعی و بهزیستی واقعی و عینی است. رویکرد چهارم، نشاط به‌مثابه نتیجه فرایندهای مقایسه با گروه‌های دیگر (رضایت نسبی) است. مطالعات درباره کیفیت زندگی، ارتباط ضعیفی بین موقعیت عینی یک فرد یا یک گروه اجتماعی و سطح بهزیستی ذهنی آن‌ها را نشان می‌دهد. افراد و گروه‌های نسبتاً محروم اغلب رضایت بیشتری از وضعیت اقتصادی خود دارند؛ و درنهایت رویکرد پنجم، نشاط به‌مثابه ویژگی فرهنگی یا ملی مداوم. بسیاری از مطالعات نشان داده است که نشاط اساساً بین کشورها متفاوت است و این تفاوت‌ها در طول زمان، نسبتاً ثابت اند. این موضوع برخی را بر آن داشته است تا نشاط را به‌مثابه ویژگی نسبتاً ثابت کشورها یا فرهنگ‌ها در نظر بگیرند.

1 Haller & Hadler

پرسش‌نامه نشاط اجتماعی آکسفورد<sup>۱</sup> (OHI)، هفت عامل رضایت از زندگی، خودکارآمدی، همدلی، چشم‌انداز مثبت، بهزیستی فیزیکی، بشاش بودن و عزت‌نفس را در به‌وجود آمدن نشاط اجتماعی دخیل می‌داند و این عوامل را تشکیل‌دهنده‌ی نشاط اجتماعی معرفی می‌کند (هیلز و آرگایل<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸: ۹۵).

هیلز و آرگایل (۱۹۹۸a: ۵۳۱) در تشریح شاخص نشاط اجتماعی، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده‌ای را به شرح ذیل بیان نموده‌اند:

۱- **عامل رضایت از زندگی:** نشاط و رضایت بایستی به‌مثابه برون‌داد یک فرآیند تعامل بین خصوصیات فردی و آرزوها از یک‌طرف و روابط اجتماعی و ساختارهای کلان اجتماعی از سوی دیگر فهم و درک شود. بین رضایت از زندگی و نشاط تمایز وجود دارد. اولی بیشتر به‌عنوان نتیجه‌ی فرایند ارزیابی شامل آرزوها و دستاوردهای مادی و اجتماعی در نظر گرفته می‌شود و دومی (نشاط) به‌عنوان نتیجه تجربیات مثبت، به‌خصوص روابط شخصی نزدیک نگریسته و درک می‌شود. فرض بر این است که روابط اجتماعی متراکم و خوب، موفقیت شغلی، جهت‌گیری‌های فرهنگی-اجتماعی (مذهبی و نوع‌دوستانه) و مشارکت، منجر به شادی و رضایت از زندگی می‌شود. این قضیه در سطح کلان هم برای رونق اقتصادی، ساختارهای اجتماعی نسبتاً برابر، رفاه خوب و دموکراسی سیاسی صادق است؛ به‌رحال این شرایط در سطح کلان بیشتر برای رضایت از زندگی مهم است تا نشاط. تحلیل رگرسیون نشاط اجتماعی مابین ۴۱ کشور دنیا (که در پیمایش ارزش‌های جهانی صورت گرفته) مؤید این فرض‌ها بود. همبستگی فرهنگی-اجتماعی فرد با نشاط ارتباط بیشتری دارد و عوامل کلان اجتماعی از جمله ثروت اقتصادی، توزیع درآمد و آزادی سیاسی بیشتر با رضایت از زندگی مرتبط اند (هالر و هادلر، ۲۰۰۶) مطالعات زیادی از جمله پژوهش هیدی و ورینگ<sup>۳</sup> همبستگی مثبت بالایی را میان رضایت از زندگی و نشاط نشان داده اند (هیلز و آرگایل، ۱۹۹۸a).

1 Oxford Happiness Inventory

2 Hills and Argyle

3 Heydi and Woring





مؤلفه‌های عامل رضایت از زندگی عبارت‌اند از تأثیر خوب بر رویدادها، تحت کنترل داشتن اوضاع، راضی بودن از زندگی، انجام امور موردعلاقه، تصمیم‌گیری آسان و اثربخشی خوشایند بر دیگران (هیلز و آرگایل، ۱۹۹۸).

**۲- عامل خودکارآمدی:** باورهای خودکارآمدی عاطفی که خودکارآمدی ادراک‌شده نامیده می‌شود، برای تعدیل تأثیر منفی و بیان تأثیر مثبت، به‌طور مستقیم بر خودکارآمدی اجتماعی ادراک‌شده و دو مؤلفه بهزیستی ذهنی شامل تفکر مثبت و تعادل هدونیک<sup>۱</sup> (لذت‌جویانه) تأثیر می‌گذارد. درحالی‌که تفکر مثبت با بعد پنهان که زمینه‌ساز عزت‌نفس، خوش‌بینی و رضایت از زندگی است، مطابقت دارد، تعادل هدونیک به‌عنوان بعد پنهانی در نظر گرفته می‌شود که در تعداد و شدت تفاوت بین تأثیرات مثبت و منفی سهیم و مشترک است. خودکارآمدی اجتماعی ادراک‌شده، به‌نوبه‌ی خود، به‌طور مستقیم بر تفکر مثبت و همچنین تعادل هدونیک (لذت-جویانه) تأثیر می‌گذارد (کاپرارا و استکا، ۲۰۰۵).

مؤلفه‌های عامل خودکارآمدی عبارت‌اند از سازمان‌دهی وقت و زمان، خواب راحت، هوشیاری ذهنی، شروع آسان، احساس انرژی و توان، تعهد و مشارکت‌جویی، تصمیم‌گیری آسان (هیلز و آرگایل، ۱۹۹۸).

**۳- عامل همدلی:** مؤلفه‌های همدلی عبارت‌اند از علاقه‌مندی به دیگران، احساس گرمی با دیگران، متعهد و مشارکت‌جو، لذت‌بردن با دیگران، شادی و خوشبختی، معنا و هدف (همان)

**۴- چشم‌انداز مثبت:** مؤلفه‌های عامل چشم‌انداز مثبت عبارت‌اند از دیدن زیبایی‌ها در اشیاء و امور، جهان جای خوبی است، زندگی همراه با پاداش، در انتظار چیزهای زیاد بودن، گذشته شاد و زندگی خوب است (همان).

**۵- عامل بهزیستی:** مفهوم بهزیستی ذهنی (SWB<sup>۳</sup>) در دهه‌های اخیر به‌طور گسترده موردبررسی قرار گرفته است، این مفهوم کاملاً جدید نیست و در اواخر دهه ۵۰ به‌عنوان ابزاری

1 hedonic

2 Caprara & Steca

3 subjective well-being

مفید برای نشان دادن کیفیت زندگی فرد و درنهایت برای نظارت بر تحولات اجتماعی و بهبود سیاست‌های اجتماعی ساخته و پرداخته شد. بهزیستی ذهنی به این مفهوم اشاره می‌کند که گرچه مردم در محیط‌های عینی زندگی می‌کنند، اما دنیایشان را از نظر ذهنی تعریف می‌کنند؛ دنیاهایی که به آن‌ها پاسخ می‌دهند، بنابراین بهزیستی ذهنی به مثابه یک شاخص کیفیت زندگی فرد مطرح می‌شود (کاپرارا و استکا، ۲۰۰۵). اتفاقات و رخداد‌های مثبت زندگی با نشاط رابطه معنی‌داری دارند و می‌توانند به‌عنوان پیش‌بینی مهم نشاط در نظر گرفته شوند. مؤلفه‌های عامل بهزیستی عبارت‌اند از احساس سلامتی، احساس شادی و زندگی خوب (هیلز و آرگایل، ۱۹۹۸).

**۶- عامل بشاش بودن:** اوقات فراغت، منبع اصلی نشاط است که تولیدکننده خلیات و عواطف مثبت است (همان). هیلز و آرگایل معتقدند که خلیات مثبت می‌تواند از فعالیت‌های اوقات فراغت (مانند تمرین و ورزش، گوش دادن موسیقی، رفتن به کلیسا و تماشای برنامه تلویزیون) نشأت بگیرد و ارتباط زیادی با نشاط و شخصیت دارد (همان). بادن‌هاوزن و همکارانش<sup>۱</sup> در چهار آزمایش تأثیر شادی بر گرایش به استفاده از کلیشه‌ها در قضاوت‌های اجتماعی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در تمام این آزمایش‌ها، افرادی که احساس بشاش بودن می‌کردند نسبت به افراد دارای خلق‌وخوی خنثی، بیشتر به قضاوت‌های کلیشه‌ای رجوع می‌کردند. نتایج آن‌ها حاکی از آن است که تمایل افراد خوشحال به تفکر کلیشه‌ای ممکن است فراگیر باشد اما آن‌ها کاملاً قادر به اجتناب از نفوذ کلیشه‌ها در قضاوت‌های خود هستند به‌ویژه هنگامی که عوامل موقعیتی، انگیزشی را برای چنین تلاشی فراهم می‌کنند (بادن‌هاوزن و همکاران، ۱۹۹۴). احتمال زیادی وجود دارد که افراد دارای مهارت‌های اجتماعی ضعیف از نظر اجتماعی منزوی شوند و این اصل ناخشنودی و افسردگی است. آموزش مهارت‌های اجتماعی معمولاً شامل دوره‌های آموزش نشاط است و شواهدی برای موفقیت این آموزش‌ها وجود دارد (آرگایل و لو، ۱۹۹۰).

1 Bodenhausen & et al

مؤلفه‌های بشاش بودن و سرور عبارت‌اند از امور را هیجان‌انگیز دیدن، خندیدن زیاد، احساس سرگرمی با دیگران (هیلز و آرگایل، ۱۹۹۸a).

۷- عامل عزت‌نفس: مؤلفه‌های عامل عزت‌نفس عبارت‌اند از جذاب به نظر رسیدن و احساس لذت از خود داشتن (همان).

برخی تحقیقات نشان داده است که در موضوع نشاط، سرمایه اجتماعی یک عامل حیاتی به‌شمار می‌رود که مورد غفلت واقع شده است. سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک بخش مهم در پیش‌بینی نشاط است. اعتماد به‌عنوان بخشی از سرمایه اجتماعی (هم اعتماد به مردم و هم اعتماد به نهادها) نقش مهمی در رضایت از زندگی و نشاط دارد. همچنین، دارا بودن شبکه اجتماعی قوی از دوستان و تعلق نیز عامل مهمی در نشاط فرد است (لئونگ و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳). موگیلنر<sup>۲</sup> (۱۹۶۷) نیز در تحقیق خود ثابت کرد که برای احساس نشاط، صرف زمان بیشتر با خانواده مؤثرتر از صرف زمان بیشتر برای درآوردن پول بیشتر است. زنان و مردان از رخدادهای و رویدادهای اطراف خود، تأثیرات متفاوتی می‌پذیرند و همین امر باعث می‌شود تا رفتارها و احساسات متفاوتی هم در زمان‌ها و مکان‌های مختلف بروز دهند. این مقوله در مورد نشاط اجتماعی هم مصداق پیدا می‌کند. یانگ<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که نشاط در بین نسل‌ها و بین مردان و زنان از الگوهای متفاوتی پیروی می‌کند که در بین آن‌ها یکسان نیست.

در مؤلفه‌های مربوط به شاخص نشاط اجتماعی که اغلب آن‌ها روان‌شناختی است، تأثیر عواطف و ویژگی‌های شخصیتی در بهزیستی و تصور زنان از نشاط و نوع برخورد با آن آشکار است. این مسئله را می‌توان در مؤلفه همدلی، چشم‌انداز مثبت از زندگی و عزت‌نفس مشاهده کرد؛ چنانچه زنان توانایی بالایی در دستیابی به این مؤلفه‌ها دارند و زندگی خود را بر این محور پایه‌گذاری کرده و برای رسیدن به آن تلاش بیشتری می‌کنند.

1 Leung & et al

2 Mogilner

3 yang

**جنسیت و نشاط:** امروزه جامعه‌شناسان در پی تبیین تأثیر مسائلی مانند جنسیت، هویت و مباحثی از این دست، بر چگونگی شکل‌گیری عواطف از جمله شادی اند. نتایجی به دست آمده نشان می‌دهد جنسیت افراد با احساس شادکامی ارتباط دارد. اینگلهارت<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) در مطالعات خود در ۱۶ کشور مختلف جهان، این یافته‌ها را تأیید کرده است؛ او فرصت‌های مشارکت اجتماعی زنان را با شادکامی ایشان مرتبط خوانده است. از آنجاکه تقریباً در تمام کشورهای دنیا مردان از سطح رفاه مالی و پرستیژ شغلی بالاتری برخوردارند و منطقاً پیش‌بینی می‌شود که زنان سطح پایین‌تر رضایت و خوشبختی ذهنی را داشته باشند، اما بر اساس این مطالعات زنان در بسیاری از کشورها سطح بالاتری از شادکامی را دارند؛ زنان علی‌رغم تداوم تفاوت‌های جنسیتی در درآمد، قدرت و پایگاه اجتماعی، به اتکای موفقیت‌های به دست آمده در برابری جنسیتی و با استفاده از مدل تطابق آرمان‌ها، احساس خوشبختی و رضایت ذهنی بالاتری نسبت به مردان دارند. در کشورهای صنعتی که زنان موفقیت‌های بیشتری در ایجاد برابری جنسیتی کسب کرده‌اند سطح رضایت و خوشبختی ذهنی بالاتر است (به نقل از عنبری، ۱۳۹۱). مطالعات بعدی نیز نشان داده است که به موازات افزایش مشارکت و حضور زنان در سیاست (پارلمان‌ها) سطح شادکامی جوامع افزایش یافته است (موکرچی و برون، ۲۰۰۵). البته مطالعات روان‌شناختی نشان می‌دهند که زنان دو برابر مردان دچار اضطراب و افسردگی می‌شوند و یا اینکه مردان ۵ برابر زنان در برابر الکلیسم و اختلالات شخصیتی ضداجتماعی آسیب‌پذیرترند؛ اما تفاوتی به لحاظ میزان شادی یا احساس خوب‌زیستی در میان زنان و مردان مشاهده نشده است (عنبری، ۱۳۹۱).

**عوامل اقتصادی - اجتماعی و نشاط:** مطالعات تجربی مختلف نشان داده است که میزان شادی و رضایت از زندگی انسان‌ها دارای اهمیت ویژه‌ای در عملکردهای اقتصادی آن‌هاست؛ زیرا رضایت از زندگی سبب بهبود هوش، توانایی، انگیزه و به دنبال آن افزایش بهره‌وری خواهد شد درحالی‌که غم و اندوه سبب بی‌تفاوتی و رخوت و در نتیجه کاهش بهره‌وری می‌شود. افراد زمانی که شاد هستند آسان‌تر تصمیم می‌گیرند، روحیه مشارکتی بالاتری دارند و

1 Ingelhart

2 Mookerjee &amp; Beron

تعامل سازنده‌تری با دیگران خواهند داشت. شادی، خلاقیت افراد را تقویت کرده و روابط بین انسان‌ها را مستحکم می‌کند (منصف و همکاران، ۱۳۹۸). بر اساس مهم‌ترین مطالعات تجربی در حوزه اقتصاد شادی، مجموعه نسبتاً جامعی از کلیه عوامل همبسته با شادی گزارش شده است. در تعیین‌کننده‌های شادی، درآمد و سطح برخورداری به‌عنوان یکی از تعیین‌کننده‌های مهم شادی چند دهه است که توجه محققان زیادی را به خود جلب کرده است. از زمانی که ریچارد استرلین<sup>۱</sup> پارادوکس شادی را مطرح کرد، تحقیقات متعددی پیرامون ارتباط بین درآمد-شادی و رشد اقتصادی-شادی انجام گرفته است که نتایج این تحقیقات همواره مشابه نبوده است. مرور مطالعات گذشته شامل مقالات و کتاب‌های مربوط به حوزه اقتصاد شادی، نشان می‌دهد که بررسی رابطه بین متغیرهای کلان اقتصادی و شادی از جمله درآمد، بیکاری و نابرابری درآمدی-اجتماعی بیشترین توجه را به خود اختصاص داده است. از سال ۱۹۷۴ که استرلین به بررسی اثر تغییرات درآمد روی شادی پرداخت، تحقیقات در حوزه اقتصاد شادی روند رو به رشدی را شروع کرد (منصف و همکاران، ۱۳۹۸). در ایران تعداد مطالعات در این زمینه اندک است. به‌طور کلی مطالعات گذشته در حوزه اقتصاد شادی در دو سطح خرد و کلان و در دو شاخه درون کشوری و بین کشوری قابل تفکیک است. در سطح خرد، عمده مطالعات تلاش نموده‌اند تا رابطه بین متغیرهای مؤثر بر شادی نظیر متغیرهای جمعیت شناختی مثل تحصیلات، سن، جنسیت، ساعات کاری، تأهل و ... را مورد آزمون قرار دهند. در سطح کلان نیز مطالعات مرتبط، تأثیر متغیرهایی نظیر تورم، بیکاری، درآمد، رشد اقتصادی و ... را مورد آزمون قرار داده‌اند. چنانچه یافته‌های تحقیقات منصف و همکاران (۱۳۸۹)، الیسینا و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۹، ۲۰۰۴)، کلارک و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۲)، اویشی و کیسبیر<sup>۴</sup> (۲۰۱۵)، اسپراک و کشلجویچ<sup>۵</sup> (۲۰۱۵)، حاکی از آن است که افراد

---

1 Richard Easterlin

2 Alesina et al.

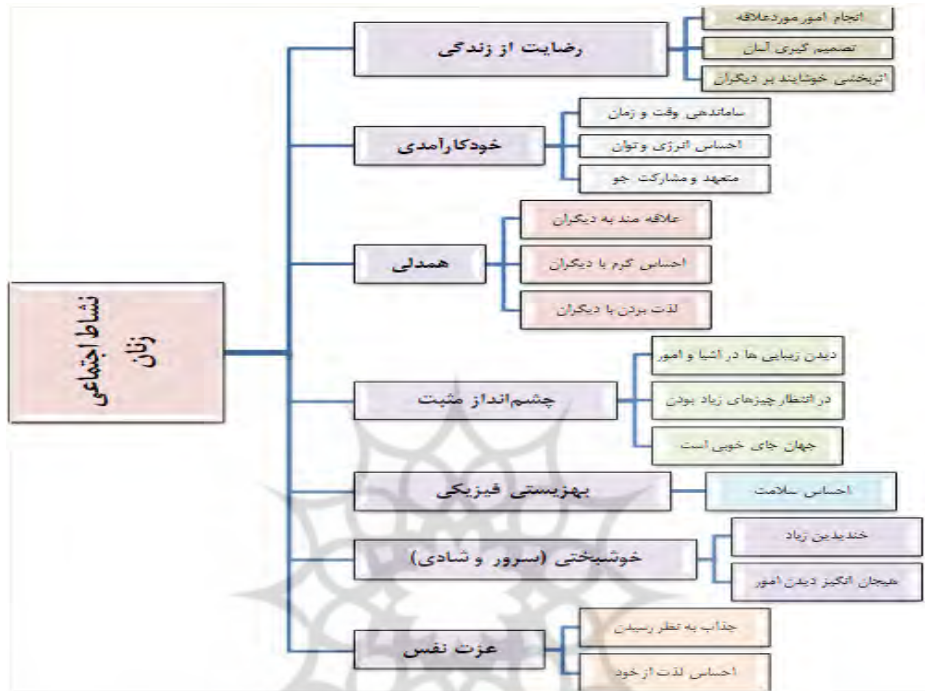
3 Clark et al

4 Oishi & Kesebir

5 Spruk & Kes̆eljvic

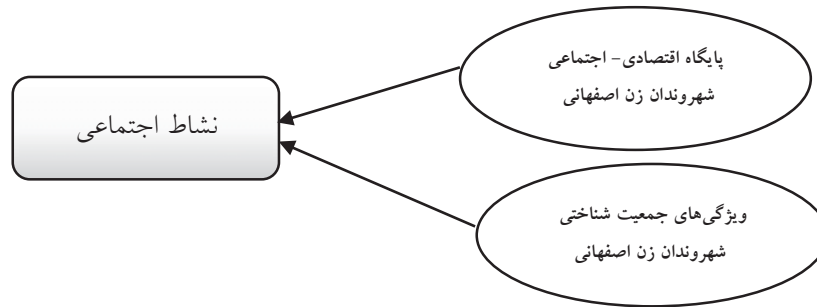
هنگامی که با نابرابری زیاد روبرو هستند، تمایل کمتری برای ابراز خوشحالی نشان می‌دهند؛ به بیان دیگر نابرابری، منجر به شادی پایین‌تری می‌شود؛ چنانکه کشورهای با نهادهای اقتصادی مناسب و آزادی اقتصادی بیشتر، به‌طور معناداری از بهزیستی ذهنی بالاتری برخوردارند. به‌علاوه منصف و همکاران (۱۳۸۹) فتح‌آبادی و همکاران (۱۳۸۹)، افشاری و دهمرده (۱۳۹۳)، محمدیان و همکاران (۱۳۹۴)، نادمی و جلیلی کامجو (۱۳۹۷) نیز تأثیر مواردی چون تأثیر مثبت و معنادار متغیرهای فقر مطلق، فقر و محرومیت نسبی، میزان تورم، میزان بیکاری، متغیرهای رشد اقتصادی، نابرابری‌های اجتماعی و سطح تحصیلات را بر نابرابری شادی در ایران گزارش نموده‌اند.

از مرور پیشینه نظری چنین برمی‌آید که عوامل متعدد اقتصادی و غیراقتصادی بر نشاط افراد تأثیر دارند؛ در واقع نشاط علاوه بر اینکه پدیده‌ای روان‌شناختی و اجتماعی است، یک پدیده مادی نیز هست. رویکردهای مختلفی نسبت به نشاط وجود دارد؛ برخی از این رویکردها، ذات‌انگارانه هستند و معتقدند که نشاط در شخصیت فرد است و ویژگی ثابت شخص به حساب می‌آید و برخی نیز آن را محصول شرایط عینی و انضمامی می‌دانند. این رویکردها باعث شده تا مناقشات زیادی در عرصه سیاست‌گذاری در جوامع مختلف بر سر نشاط اجتماعی و نحوه سنجش و گزارش آن به وجود بیاید. از میان این رویکردها، ما از رویکرد هیلز و آرگایل استفاده کرده‌ایم که در قالب پرسش‌نامه نشاط اجتماعی تلاش کردند تا این مفهوم را با استاندارد جامعی موردسنجش قرار دهند که شامل هفت مؤلفه می‌شود. این پرسش‌نامه در موارد متعددی آزمون و استاندارد شده است. در مدل نظری زیر مؤلفه‌های نشاط در مقیاس نشاط اجتماعی هیلز و آرگایل به تصویر کشیده شده است.



شکل ۱. مدل نظری نشاط اجتماعی از منظر هیلز و آرگایل (۲۰۰۲)

در این تحقیق به شناسایی میزان نشاط اجتماعی در میان شهروندان زن اصفهانی و سپس تفاوت در نشاط بر اساس پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی این زنان از یک سو و از سوی دیگر به پیش‌بینی نشاط اجتماعی مبتنی بر ویژگی‌های جمعیت شناختی جامعه هدف پرداخته‌ایم.



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

### روش تحقیق

هدف این پژوهش، سنجش نشاط اجتماعی زنان اصفهانی بر اساس پایگاه اقتصادی - اجتماعی بوده است؛ از این رو پژوهش به لحاظ نوع از پژوهش‌های کمی (توصیفی، پیمایشی)؛ به لحاظ ماهیت، کاربردی؛ به لحاظ معیار زمان، مقطعی و به لحاظ معیار ژرفایی، پهنانگر است؛ در این روش اطلاعات موردنظر از یک جمعیت نمونه معرف گردآوری شده و نتایج به کل جامعه آماری تعمیم داده می‌شود (گال و همکاران، ۱۳۸۶)، جامعه آماری این بررسی، شهروندان زن ۱۵ تا ۶۵ ساله ساکن در ۱۵ منطقه شهرداری شهر اصفهان بوده که بر اساس آمار به دست آمده از مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، تعداد آنها ۷۸۴۹۹۴ نفر گزارش شده است. ملاک انتخاب گروه سنی جامعه آماری پژوهش حاضر بر اساس تعریف مرکز آمار از جمعیت فعال (گروه سنی ۱۵ تا ۶۵ سال) بوده است. حجم نمونه برحسب جدول مورگان ۳۸۴ نفر گزارش شد که جهت جلوگیری از افت داده‌ها در جریان تحقیق و بالا بردن دقت با توجه به واریانس جامعه آماری، این رقم به ۴۲۰ نفر ارتقاء یافت که پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، ۳۹۵ پرسش‌نامه کامل و قابل تحلیل بود. پرسش‌نامه‌ها به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای در بین جامعه نمونه





توزیع شد. جهت اجرای پژوهش از بین مناطق ۱۵ گانه شهر اصفهان، ۶ منطقه به تصادف انتخاب شد، سپس از بین محله‌ها در هر منطقه شهری به تصادف ۴ محله انتخاب گردید. همکاران پژوهشی با مراجعه به محلات مربوطه به تصادف به در منازل مراجعه کرده و در ابتدا سؤال می‌کردند که در آن منزل چند زن بین ۱۵ تا ۶۵ سال وجود دارد و سپس در سؤال دوم پرسیده می‌شد که کدام‌یک از این زنان در خانواده تمایل به شرکت در پژوهش را دارند. در صورت تمایل به پر کردن پرسش‌نامه از هر منزل یک زن پرسش‌نامه را تکمیل می‌نمود. لازم به ذکر است که به افراد اطلاع داده می‌شد که زمان تکمیل پرسش‌نامه نهایتاً ۲۰ دقیقه است و پرسش‌نامه‌ها بدون نام بوده و اطلاعات افراد به صورت محرمانه در نزد پژوهشگر باقی خواهد ماند. با توجه به حجم نمونه در نظر گرفته شده که برابر با ۴۲۰ نفر بود، مقرر شده بود تا در هر منطقه شهری ۷۰ پرسش‌نامه تکمیل شود. با توجه به ناقص بودن بعضی از پرسش‌نامه‌ها تعدادی از آن‌ها حذف شدند، در نهایت ۶۶ پرسش‌نامه در هر یک از مناطق یک، چهار و پنج، ۶۴ عدد در منطقه دو، ۶۸ عدد در منطقه سه و ۶۵ عدد در منطقه شش به عنوان نمونه پژوهش در تحقیق تحلیل شد.

### ابزارهای پژوهش

ابزار گردآوری اطلاعات، یک پرسش‌نامه دویخشی متشکل از اطلاعات جمعیت شناختی و نشاط اجتماعی و ابعاد آن بوده است. به منظور سنجش نشاط اجتماعی در این مطالعه از پرسش‌نامه‌ی نشاط آکسفورد (OHQ)<sup>۱</sup> هیلز و آرگایل<sup>۲</sup> با ۲۹ پرسش ۴ گزینه‌ای و هفت عامل شامل (رضایت از زندگی<sup>۳</sup>، خودکارآمدی<sup>۴</sup>، همدلی<sup>۵</sup>، چشم‌انداز مثبت<sup>۶</sup>، بهزیستی<sup>۷</sup>، بشاش

1 Oxford Happiness Questionnaire

2 Hills and Argyle

3 Satisfaction with life

4 efficacy

5 Sociability/empathy

6 Positive outlook

7 Well-being

بودن<sup>۱</sup> و عزت نفس<sup>۲</sup> استفاده شد (هیلز و آرگایل، ۲۰۰۲). پایه نظری این پرسشنامه تعریف آرگایل و کروسلند<sup>۳</sup> (۱۹۷۸) از نشاط بود. هیلز و آرگایل (۲۰۰۲)، نسخه جدید فهرست نشاط آکسفورد<sup>۴</sup> (OHI) را تحت عنوان پرسشنامه نشاط آکسفورد (OHQ) با روش نمره-گذاری جدید و معکوس کردن تقریباً نیمی از سؤالات بررسی و منتشر کردند (نجفی و همکاران، ۱۳۹۱). از نظر هیلز و آرگایل (۲۰۰۲)، پرسشنامه نشاط آکسفورد نسخه اصلاحی فهرست نشاط آکسفورد (OHI) در سنجش بهزیستی ذهنی است. در نسخه اصلاحی، پاسخ‌دهی از شکل انتخاب چهار گزینه یا صفر تا سه به طیف وسیع‌تری از مقیاس لیکرت (۱=کاملاً مخالفم تا ۶=کاملاً موافقم) تغییر کرده است. ضریب همسانی درونی پرسشنامه ۰/۹۱ و ضریب همبستگی سؤالات بین ۰/۰۴- و ۰/۶۵ با میانگین ۰/۲۸ گزارش شده است، همچنین همبستگی نمرات پرسشنامه با فهرست نشاط آکسفورد ۰/۸۰ گزارش شده است. هیلز و آرگایل (۱۹۹۸b) و آرگایل (۲۰۰۱) به نقل از نجفی و همکاران (۱۳۹۱) با استفاده از تحلیل عاملی به هفت عامل دست یافتند که در توضیحات پرسشنامه آکسفورد و چارچوب مفهومی به‌طور کامل به این عوامل اشاره شد.

**پایگاه اقتصادی - اجتماعی:** طبقه‌ی اجتماعی، به بخشی از اعضای جامعه اطلاق می‌شود که از نظر ارزش‌های مشترک، حیثیت و فعالیت‌های اجتماعی، میزان ثروت و تعلقات شخصی و نیز آداب معاشرت با بخش‌های دیگر جامعه تفاوت داشته باشد (کاظمی‌پور، ۱۳۷۸). کارکردگرایان ساختاری برای سنجش پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد، شغل را به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه در نظر می‌گیرند (پناهی و امیدی، ۱۳۹۱). از طرفی در نگرش مارکسیست‌ها اساس رتبه‌بندی اجتماعی بر اساس طبقه شکل می‌گیرد. در رهیافت وبری برخی عوامل غیراقتصادی در ارتباط با پایگاه اقتصادی - اجتماعی نقش اساسی دارند که می‌توان به منزلت اجتماعی و پایگاه فرد در جامعه اشاره کرد (همان). بر اساس نظر ساندرز پایگاه اقتصادی -

1 cheerfulness

2 Self-esteem

3 Argyle & Crossland

4 Oxford Happiness Inventory

اجتماعی به دسته‌بندی‌هایی از مردم که براساس شغل، قدرت، درآمد، سطح زندگی، سطح تحصیلات، وظیفه، هوش و دیگر معیارها تقسیم می‌شوند، اطلاق می‌شود (قاسمی، وحید، ربانی و ذاکری، ۱۳۸۹). میلر (۱۳۸۰)، برای بررسی پایگاه اقتصادی-اجتماعی سه شیوه‌ی عینی، ذهنی و اشتھاری را پیشنهاد می‌کند. در شیوه‌ی عینی، [پایگاه اقتصادی - اجتماعی] صرف‌نظر از خواست و ارزش‌گذاری افراد خاص در نظر گرفته می‌شود. شاخص‌های ذهنی با توجه به ارزش‌گذاری پاسخگویان در نظر گرفته می‌شود و شاخص‌های اعتباری، ارزش‌گذاری دیگران در خصوص پاسخگویان را در برمی‌گیرد. در این پژوهش پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد بر اساس دو معیار عینی و ذهنی موردسنجش قرار گرفت. در بعد عینی از شاخص‌هایی چون میزان حقوق ماهیانه، میزان تحصیلات، وضعیت محل سکونت، وضعیت اشتغال و میزان مخارج و هزینه‌های زندگی و محله محل سکونت و در بعد ذهنی بر اساس یک سؤال در سه طبقه‌ی بالا، میانی و پایین موردسنجش قرار گرفت. درنهایت مؤلفه‌های مذکور باهم جمع و عدد حاصل تقسیم بر تعداد متغیرها شد. دامنه‌ی نمرات تقسیم بر طبقات سه‌گانه (پایین، بالا و میانی) شده و به‌این ترتیب حدود طبقات و نیز جایگاه افراد در سه طبقه تعیین گردید. سؤالات طرح‌شده برای سنجش پایگاه اقتصادی-اجتماعی از سه سطح سنجش اسمی، ترتیبی و فاصله‌ای استفاده شد. این گویه‌ها عبارت بودند از نحوه‌ی تصرف واحد مسکونی، درآمد ماهیانه خانواده، سطح تحصیلات، وضعیت شغلی، میزان مخارج و هزینه‌های زندگی و محله‌ای که در آن زندگی می‌کنند. حاصل جمع نمرات داده‌شده به هرکدام از سؤالات، منجر به محاسبه‌ی دقیق پایگاه اقتصادی-اجتماعی فرد شد و درنهایت آن را به دسته‌های بالا، متوسط و پایین تقسیم نمودیم.

### روش تجزیه و تحلیل آماری

تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS23 در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی و با روش آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت نشاط اجتماعی در زنان، تحلیل واریانس برای مقایسه نشاط اجتماعی بر اساس پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی و تحلیل

رگرسیون چند متغیره برای بررسی نقش ویژگی‌های جمعیت شناختی در پیش‌بینی نشاط اجتماعی انجام گرفت.

### یافته‌های تحقیق

#### الف) متغیرهای زمینه‌ای

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان

متغیر	ابعاد	درصد
جنسیت	زن	۱۰۰
وضعیت تأهل	متأهل	۶۷/۵
	مجرد	۳۰/۰
	همسر فوت شده	۲/۰
	طلاق	۰/۵
گروه سنی	۱۵-۳۴	۲۹/۲
	۳۵-۵۴	۶۳/۸
	۵۵-۶۵	۷/۰
تحصیلات	زیر دیپلم	۳۲/۸
	دیپلم و کاردانی	۴۱/۰
	کارشناسی و کارشناسی ارشد	۲۶/۰
	دکترای تخصصی	۰/۲
نگرش شهروندان نسبت به پایگاه اجتماعی بالا و اقتصادی خانواده‌هایشان	بالا	۷/۹
	متوسط	۶۷/۶
	پایین	۲۴/۵
پایگاه اجتماعی و اقتصادی شهروندان	بالا	۳۶/۷
	متوسط	۴۴/۳
	پایین	۱۹
وضعیت اشتغال	بیکار	۷/۱



۲۲	شاغل	
۰/۸	دانشجو	
۶۸/۱	خانه‌دار	
۲	بازنشسته	
۳۲/۳	کم برخوردار	
۳۳/۹	نیمه برخوردار	منطقه محل سکونت
۳۳/۲	برخوردار	
۵۰/۶	شخصی	
۲۷/۶	رهن و اجاره	نوع مالکیت منزل مسکونی
۵/۸	سازمانی	
۱۵/۹	خانه پدری	

### ب) عامل نشاط اجتماعی

برای توزیع پراکندگی عامل نشاط اجتماعی و ابعاد آن در جامعه نمونه از آزمون تی تک‌نمونه-ای استفاده شد، برآوردهای مربوط به این آزمون در جدول (۲) گزارش شده است.

جدول ۲. برآورد آزمون تی (t) تک‌نمونه‌ای برای بررسی میانگین عامل نشاط اجتماعی و ابعاد آن در جامعه

متغیر	آزمون t تک نمونه‌ای	میانگین	انحراف	t	درجه آزادی	تفاوت	معنی‌داری
نشاط اجتماعی	۲/۷۸	۰/۵۲	-۲۷/۶۹	۳۹۴	-۰/۷۲		۰/۰۰۱
رضایت از زندگی	۲/۷۷	۰/۵۹	-۲۴/۷۵	۳۹۴	-۰/۷۳		۰/۰۰۱
خودکارآمدی	۲/۷۹	۰/۵۷	-۲۴/۶۱	۳۹۴	-۰/۷۱		۰/۰۰۱
همدلی	۲/۸۷	۰/۶۱	-۲۰/۴۷	۳۹۴	-۰/۶۳		۰/۰۰۱

۰/۰۰۱	-۰/۷۹	۳۹۴	-۲۴/۶۶	۰/۶۳	۲/۷۱	چشم‌انداز مثبت
۰/۰۰۱	-۰/۷۱	۳۹۴	-۲۰/۵۲	۰/۶۹	۲/۷۹	بهزیستی
۰/۰۰۱	-۰/۷۳	۳۹۴	-۲۱/۴۱	۰/۶۸	۲/۷۷	بشاش بودن
۰/۰۰۱	-۰/۸۱	۳۹۴	-۲۲/۲۹	۰/۷۲	۲/۶۹	عزت‌نفس

مقادیر برآورد شده در جدول ۲ بیانگر این است که میانگین متغیر نشاط اجتماعی (۲/۷۸) و ابعاد آن رضایت از زندگی (۲/۷۷)، خودکارآمدی (۲/۷۹)، همدلی (۲/۸۷)، چشم‌انداز مثبت (۲/۷۱)، بهزیستی (۲/۷۹)، بشاش بودن (۲/۷۷) و عزت‌نفس (۲/۶۹) در نمونه آماری پژوهش پایین‌تر از میانگین فرضی (۳/۵) (میانگین فرضی به استناد پژوهش مشابه تمیزی فر (۱۳۹۲) عدد ۳/۵ در نظر گرفته شد) و به لحاظ آماری دارای تفاوت معنادار با مقدار صفر است ( $sig < 0/05$ )؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت میانگین متغیر نشاط اجتماعی و همه ابعاد آن به‌طور معناداری کمتر از میانگین فرضی گزارش شده است؛ بنابراین در پاسخ به این سؤال که میزان نشاط اجتماعی و ابعاد آن در زنان شهر اصفهان به چه میزان است؟ باید گفت میزان نشاط اجتماعی و ابعاد آن در زنان شهر اصفهان کمتر از حد متوسط است. از این‌رو در مقایسه بین یافته‌های حاضر با یافته‌های تمیزی فر (۱۳۹۲)، به نظر می‌رسد میزان نشاط اجتماعی زنان شهر اصفهان کاهش یافته است.

شاخص‌های توصیفی متغیر نشاط اجتماعی و ابعاد آن به تفکیک پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی شهروندان زن اصفهانی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی متغیر نشاط اجتماعی و ابعاد آن به تفکیک پایگاه اقتصادی-اجتماعی

عامل و ابعاد	پایین		متوسط		بالا	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
نشاط اجتماعی	۲/۶۶	۰/۵۳	۲/۸۱	۰/۴۶	۲/۹	۰/۵۸
رضایت از زندگی	۲/۶۴	۰/۶۲	۲/۸۲	۰/۵۴	۲/۸۹	۰/۵۸
خودکارآمدی	۲/۷۲	۰/۵۵	۲/۸	۰/۵۷	۲/۹	۰/۵۸
همدلی	۲/۷۹	۰/۶۳	۲/۸۶	۰/۵۶	۳/۰۱	۰/۶۸



چشم انداز مثبت	۲/۵۸	۰/۶۴	۲/۷۷	۰/۵۶	۲/۸۲	۰/۷۳
بهزیستی	۲/۵۹	۰/۷۱	۲/۸۹	۰/۵۵	۲/۹۳	۰/۸۳
بشاش بودن	۲/۷۱	۰/۷۳	۲/۷۵	۰/۵۶	۲/۹۲	۰/۷۴
عزت نفس	۲/۵۱	۰/۷	۲/۷۸	۰/۷	۲/۸۷	۰/۷۱

بر اساس یافته‌های جدول (۳) بیشترین میانگین عامل نشاط اجتماعی و ابعاد آن به طبقه‌ی بالا اختصاص یافت، همچنین میانگین نشاط اجتماعی در طبقه‌ی متوسط بیشتر از طبقه‌ی پایین گزارش شد. نتایج توصیفی نشان داد که میزان نشاط اجتماعی در طبقه‌ی بالا برابر با ۲/۹ و بیشتر از سایر طبقات است. همچنین میانگین رضایت از زندگی در طبقه‌ی بالا برابر با ۲/۸۹، خودکارآمدی برابر با ۲/۹، همدلی ۳/۰۱، چشم انداز مثبت ۲/۸۲، بهزیستی ۲/۹۳، بشاش بودن ۲/۹ و عزت نفس ۲/۸۷ گزارش شد که نشان می‌دهد در ابعاد نشاط اجتماعی نیز میانگین در طبقه‌ی بالا، از سایر طبقات اجتماعی بیشتر است.

به‌علاوه میزان نشاط اجتماعی در طبقه‌ی پایین برابر با ۲/۶۶ و کمتر از سایر طبقات است، چنانچه میانگین رضایت از زندگی در طبقه‌ی پایین برابر با ۲/۴۶، خودکارآمدی برابر با ۲/۷۲، همدلی برابر با ۲/۷۹، چشم انداز مثبت ۲/۵۸، بهزیستی ۲/۵۹، بشاش بودن ۲/۷۱، عزت نفس ۲/۵۱ گزارش شد که نشان می‌دهد در ابعاد نشاط اجتماعی نیز میانگین در طبقه‌ی پایین، از سایر طبقات اجتماعی متوسط و بالا، کمتر است.

به‌منظور سنجش معناداری تفاوت در سطوح نشاط اجتماعی در میان طبقات پایین، متوسط و بالا، از آنالیز واریانس یک‌طرفه استفاده شد (جدول ۴).

جدول ۴. نتایج آنالیز واریانس یک‌طرفه مقایسه نشاط اجتماعی و ابعاد آن برحسب طبقه‌بندی پایگاه

#### اجتماعی - اقتصادی

متغیر وابسته	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی داری
نشاط	برون گروهی	۳/۴۷	۲	۱/۷۳	۶/۶۶	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۱۰۱/۵۲	۳۹۱	۰/۲۶		

			۳۹۳	۱۰۵/۲۸	کل	اجتماعی
۰/۰۰۴	۴/۷	۱/۹۴	۲	۳/۸۷	برون گروهی	رضایت‌از
		۰/۳۴	۳۹۱	۱۳۳/۱۱	درون گروهی	زندگی
			۳۹۳	۱۳۶/۹۸	کل	
۰/۰۷۴	۲/۶۲	۰/۸۵	۲	۱/۶۹	برون گروهی	خودکارآمدی
		۰/۳۲۵	۳۹۱	۱۲۷/۳۷	درون گروهی	
			۳۹۳	۱۲۹/۰۷۵	کل	
۰/۰۴۱	۳/۲۳	۱/۲۱	۲	۲/۴۱	برون گروهی	همدلی
		۰/۳۷۴	۳۹۱	۱۴۶/۶۳	درون گروهی	
			۳۹۳	۱۴۸/۹۴	کل	
۰/۰۰۸	۴/۹۵	۱/۹۶	۲	۳/۹۱	برون گروهی	چشم‌انداز
		۰/۳۹۵	۳۹۱	۱۵۴/۴۱	درون گروهی	مثبت
			۳۹۳	۱۵۸/۳۲	کل	
۰/۰۰۱	۱۰/۸۲	۴/۹۲	۲	۹/۸۴	برون گروهی	بهبودی
		۰/۴۵۴	۳۹۱	۱۷۸/۱۴	درون گروهی	
			۳۹۳	۱۸۷/۹۸	کل	
۰/۱۰۱	۲/۳	۱/۰۵۶	۲	۲/۱۱	برون گروهی	بشاش بودن
		۰/۴۵۸	۳۹۱	۱۷۹/۷۲	درون گروهی	
			۳۹۳	۱۸۱/۸۳	کل	
۰/۰۰۱	۸/۵۲	۴/۲۶۱	۲	۸/۵۲	برون گروهی	عزت نفس
		۰/۴۹۶	۳۹۱	۱۹۴/۴۷	درون گروهی	
			۳۹۳	۲۰۲/۹۹	کل	

نتایج جدول (۴) حاکی از آن است که تفاوت میانگین نمرات جامعه نمونه براساس پایگاه-های اقتصادی- اجتماعی در عامل نشاط اجتماعی و ابعاد رضایت از زندگی، همدلی، چشم-انداز مثبت، بهبودی و عزت نفس، معنادار بوده است ( $P < 0/05$ ).





برای مقایسه زوجی پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی در متغیر نشاط و ابعاد آن از آزمون تعقیبی LSD استفاده شد (جدول ۴).

جدول ۵. نتایج آزمون تعقیبی LSD برای مقایسه زوجی پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی در نشاط اجتماعی و ابعاد آن

متغیر	گروه	تفاضل میانگین	معنی‌داری
نشاط اجتماعی	پایین-متوسط	-۰/۱۵	۰/۰۱۱
	پایین-بالا	-۰/۲۵	۰/۰۰۱
	متوسط-بالا	-۰/۱۰۱	۰/۱۳۷
رضایت از زندگی	پایین-متوسط	-۰/۱۷	۰/۰۱
	پایین-بالا	-۰/۲۵	۰/۰۰۲
	متوسط-بالا	-۰/۰۸۳	۰/۳
همدلی	پایین-متوسط	-۰/۰۷۲	۰/۲۹
	پایین-بالا	-۰/۲۲	۰/۰۱۱
	متوسط-بالا	-۰/۱۵	۰/۰۸۸
چشم‌انداز مثبت	پایین-متوسط	-۰/۱۹	۰/۰۰۷
	پایین-بالا	-۰/۲۴	۰/۰۰۹
	متوسط-بالا	-۰/۰۴۷	۰/۵۹۵
بهبودی	پایین-متوسط	-۰/۳۱	۰/۰۰۱
	پایین-بالا	-۰/۳۵	۰/۰۰۱
	متوسط-بالا	-۰/۰۳۸	۰/۶۸۲
عزت نفس	پایین-متوسط	-۰/۲۷	۰/۰۰۱
	پایین-بالا	-۰/۳۶	۰/۰۰۱
	متوسط-بالا	-۰/۰۸۹	۰/۳۵۸

نتایج آزمون LSD در جدول (۵) حاکی از آن است میانگین نمرات عامل نشاط اجتماعی و ابعاد رضایت از زندگی، چشم‌انداز مثبت، بهبودی و عزت نفس در طبقه پایین با هر دو طبقه متوسط و بالا دارای تفاوت معنادار است ( $p < 0/05$ )؛ اما بعد همدلی در طبقه‌ی پایین فقط با طبقه‌ی بالا دارای تفاوت معنادار است ( $p < 0/05$ ). بر اساس گزارش ارائه‌شده، میانگین نشاط و

ابعاد آن در طبقه پایین به طور معناداری از میانگین طبقات متوسط و بالا کمتر است. لذا این - گونه استنتاج می گردد که کمترین میانگین نشاط اجتماعی و ابعاد رضایت از زندگی، چشم انداز مثبت، بهزیستی و عزت نفس مربوط به پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین است. در بعد همدلی نیز کمترین میانگین مربوط به پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین و متوسط است و پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا در جایگاه بعدی قرار دارد.

نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش بینی نشاط اجتماعی بر اساس متغیرهای تحصیلات، سن، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول ۶. پیش بینی نشاط اجتماعی از طریق متغیرهای جمعیت شناختی

شاخص متغیر	R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup>	F	معنی داری	ضریب $\beta$	آماره t	معنی داری
		تغییر	تغییر	تغییر				
۱ طبقه اجتماعی	۰/۳۵۱	۰/۱۲۳	۰/۱۲۳	۵۱/۹۴	۰/۰۰۱	۰/۳۲۲	۷/۲۱	۰/۰۰۱
۲ سن	۰/۴۵۹	۰/۲۱۱	۰/۰۸۸	۲۹/۲۱	۰/۰۰۱	-۰/۲۲۳	-۴/۷۴	۰/۰۰۱
۳ برخورداری منطقه محل سکونت	۰/۵۲۵	۰/۲۷۶	۰/۰۶۵	۱۵/۴۸	۰/۰۰۱	۰/۲۰۶	۳/۵۴	۰/۰۰۶

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون گام به گام بیانگر آن است که در میان همه متغیرهای پیش - بین یا جمعیت شناختی، طبقه اجتماعی بیشترین (۰/۱۲۳) یا نزدیک به (۱۲/۳ درصد) توان پیش - بینی نشاط اجتماعی در زنان شهر اصفهان را داشته است؛ در مرحله دوم با اضافه شدن متغیر سن، میزان پیش بینی نشاط اجتماعی به ۰/۲۱۱ رسید؛ به این معنا که دو متغیر (طبقه اجتماعی و سن) باهم ۲۱/۱ درصد از نشاط اجتماعی را پیش بینی می کنند. سهم خالص سن در پیش بینی نشاط اجتماعی برابر با ۸/۸ درصد بوده است. در مرحله سوم با اضافه شدن متغیر برخورداری محل سکونت، میزان پیش بینی نشاط اجتماعی به ۰/۲۷۶ رسید؛ بدین معنی که هر سه متغیر باهم ۲۷/۶ درصد از نشاط اجتماعی را پیش بینی می کنند. سهم خالص متغیر برخورداری محل

سکونت در پیش‌بینی نشاط اجتماعی برابر با ۶/۵ درصد بوده است. سایر متغیرهای جمعیت شناختی به دلیل عدم توانایی پیش‌بینی نشاط اجتماعی در میان دیگر متغیرها از مدل حذف شده اند. بر اساس نتایج به دست آمده از جدول شماره ۶، رابطه‌ی بین طبقه اجتماعی و برخورداری منطقه محل سکونت با نشاط اجتماعی مثبت و معنادار و رابطه سن با نشاط اجتماعی منفی و معنادار است. بر این اساس با بالا رفتن طبقه اجتماعی و برخورداری شدن منطقه محل سکونت زنان نشاط اجتماعی به ترتیب به میزان ۰/۳۲۲ و ۰/۲۰۶ واحد افزایش می‌یابد؛ اما با افزایش سن، طبقه اجتماعی نشاط اجتماعی ۰/۲۲۳- کم می‌شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

در تحلیل‌های عمومی، مسئله نشاط، شاخصی ملموس و در دسترس برای ارزیابی عملکرد سیستم اجتماعی و فرهنگی است. یعنی سطح نشاط جمعی در یک جامعه، موید اثربخشی یا پویایی کارکرد آن نظام اجتماعی است. به بیان دیگر نشاط به‌عنوان یک متغیر مهم اجتماعی شاخصی از توسعه و پیشرفت جوامع است. توسعه جوامع با بهره‌گیری افزون از نیروهای مولد جامعه امکان‌پذیر است و زنان نیز به‌عنوان نیمی از جمعیت موجود در تمامی جوامع سهمی خاص در ارتقای توانایی‌های جامعه دارند. توجه به نشاط و شادکامی زنان چه از بعد روانی و چه از بعد جسمانی، ارتقای میزان نشاط آنان و ارائه راهکارهایی برای افزایش آن، یکی از موضوع‌های نوین پژوهش‌های اجتماعی است که با توجه به ضرورت این متغیر مهم در پیشبرد اهداف اجتماعی روزبه‌روز برجسته‌تر می‌شود (عنبری و حقی، ۱۳۹۳). در مقاله حاضر نشاط اجتماعی شهروندان زن اصفهانی در طبقات (پایین، متوسط و بالا) بررسی شد. برای قشربندی از شاخص پایگاه اجتماعی-اقتصادی بهره بردیم که با نظریه قشربندی ماکس وبر هماهنگ است. درباره متغیر نشاط اجتماعی نیز از قالب پرسش‌نامه استاندارد نشاط اجتماعی هیلز و آرگایل (۲۰۰۲) استفاده شد.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که میانگین متغیر نشاط اجتماعی و همه ابعاد آن به طور معناداری کمتر از میانگین فرضی بود (جدول ۲)؛ بدین معنا که میزان نشاط اجتماعی و ابعاد آن در زنان شهر اصفهان پایین تر از حد متوسط است. این یافته از پژوهش با نتایج مطالعه‌ی هزارجریبی و مرادی (۱۳۹۶) مبنی بر ارائه شواهد تجربی، از جمله گزارش‌های جهانی شادکامی (هلی‌ول و همکاران، ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸) و نیز هم‌راستا با نتایج پژوهش‌های متعدد داخلی از جمله (ذکایی، ۱۳۹۵؛ معیدفر، ۱۳۸۵؛ باصری، ۱۳۸۹؛ گنجی، ۱۳۸۷؛ چلبی و موسوی، ۱۳۸۷) و دال بر وضعیت نسبتاً نامطلوب شادی در جامعه ایران است.

شایان ذکر است در این مطالعه بیشترین میانگین عامل نشاط اجتماعی و ابعاد آن به ترتیب به طبقه‌ی بالا (با میانگین ۲/۹)، سپس طبقه‌ی متوسط (۲/۸۱) و در نهایت طبقه‌ی پایین (با میانگین ۲/۶۶) اختصاص یافت (جدول ۳). تفاوت میانگین بر اساس پایگاه‌های اقتصادی- اجتماعی در عامل نشاط اجتماعی و ابعاد رضایت از زندگی، همدلی، چشم‌انداز مثبت، بهزیستی و عزت‌نفس، معنادار بوده است (جدول ۴)، کمترین میانگین نشاط اجتماعی و ابعاد رضایت از زندگی، چشم‌انداز مثبت، بهزیستی و عزت‌نفس مربوط به پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین است و پس از آن، پایگاه اقتصادی متوسط و در نهایت پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالا، بالاترین جایگاه را دارد (جدول ۵). یافته‌های پژوهش حاضر نتایج تحقیق عنبری و حقی (۱۳۹۲) را تایید می‌کند. به علاوه آنکه آیزنک (۱۳۷۵) نیز عقیده دارد که افراد با درآمد بالا، بیش از افراد با درآمد پایین، شاد هستند.

مطالعات تجربی مختلف نیز مؤید آن است که میزان شادی و رضایت از زندگی انسان‌ها اهمیت ویژه‌ای در عملکردهای اقتصادی آن‌ها دارد؛ زیرا رضایت از زندگی سبب بهبود هوش، توانایی، انگیزه و به دنبال آن افزایش بهره‌وری خواهد شد در حالی که غم و اندوه سبب بی- تفاوتی و رخوت و در نتیجه کاهش بهره‌وری می‌شود. افراد زمانی که شاد هستند آسان‌تر تصمیم می‌گیرند، روحیه مشارکتی بالاتری دارند و تعامل سازنده‌تری با دیگران خواهند داشت. شادی، خلاقیت افراد را تقویت می‌کند و روابط بین انسان‌ها را مستحکم می‌کند (منصف و همکاران، ۱۳۹۸). بر اساس گزارش منصف و همکاران (۱۹:۱۳۸۹)، عمده یافته‌های تحقیقات

خارجی حاکی از آن است که افراد هنگامی که با نابرابری زیاد روبرو هستند، تمایل کمتری برای ابراز خوشحالی نشان می‌دهند؛ به بیان دیگر نابرابری، منجر به شادی کمتر می‌شود؛ چنانچه کشورهای با نهادهای اقتصادی مناسب و آزادی اقتصادی بیشتر، به‌طور معناداری از بهزیستی ذهنی بالاتری برخوردارند. به‌علاوه بر اساس گزارش منصف و همکاران (۱۳۸۹) یافته‌های تحقیقات داخلی نیز تأثیر مواردی چون تأثیر مثبت و معنادار متغیرهای فقر مطلق، فقر و محرومیت نسبی، میزان تورم، میزان بیکاری، متغیرهای رشد اقتصادی، نابرابری‌های اجتماعی، سطح تحصیلات بر نابرابری شادی در ایران را گزارش نموده‌اند.

در تحقیق حاضر رابطه‌ی بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی با نشاط اجتماعی مثبت و معنادار گزارش شد، بر این اساس با بالا رفتن پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان، نشاط اجتماعی به میزان ۰/۲۱۱ واحد افزایش می‌یابد (جدول ۶). یافته‌های کیا و امیری (۱۳۹۲) و افشانی (۱۳۹۲) نیز بر وجود رابطه‌ی معنادار بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی با نشاط تأکید دارد. طبق نظر مرتون (۱۹۶۸)، همه طبقات اجتماعی آرزومندی‌های نسبتاً مشابهی را دنبال می‌کنند، به عبارتی طبقات پایین‌تر جامعه به‌اندازه‌ی طبقات بالاتر جامعه آرزومندی دستیابی به این اهداف را دارند اما ابزارهای آن‌ها در رسیدن به این آرزومندی‌ها یکسان نیست، این شکاف منجر به بروز حس انومی می‌شود که به‌نوبه‌ی خود بر نشاط افراد در حوزه فردی و اجتماعی اثرگذار است. به‌علاوه از نظر مرتون احساس محرومیت نسبی، حالتی روانی و احساس کمبودی است که در فرد پس از مقایسه با گروه یا فردی که برای او الگو یا مرجع مقایسه است، بروز می‌کند. فرد چنانچه خود را با شخص دیگری که در شرایط مشابه قرار دارد، مقایسه کرده و به این پنداشت و ارزیابی ذهنی برسد که شرایط وی نسبت به شرایط مرجع مقایسه، همانند نیست، دچار احساس محرومیت نسبی شده و در صورت تداوم و تعمیم، این احساس به نارضایتی می‌انجامد. همچنین دورکیم معتقد است که افزایش دامنه‌ی توقعات و شکاف بین نیازها و میزان رسیدن به آن‌ها زمینه‌ایی است برای بروز انواع نارضایتی‌ها و فردگرایی مفرط ناشی از توجه به منافع فردی که مقدمه‌ی بروز انواع ناراحتی‌ها، اضطراب‌ها و خدشه‌دار شدن شادکامی است. تئوری عدالت توزیعی نیز در قالب عدالت محوری بر این نکته اشاره دارد که ارزیابی از

توزیع نابرابر پاداش‌ها مقدمه بروز نارضایتی و کاهش سطح نشاط در جامعه است. جامعه‌ای که توزیع منابع در آن عادلانه باشد یعنی برای محروم‌ترین افراد جامعه مطلوب باشد (کیا و امیری، ۱۳۹۲).

تحلیل‌های آماری این مطالعه نشان داد که متغیر سن با نشاط اجتماعی دارای رابطه معنادار و منفی است، بر این اساس با افزایش سن، نشاط اجتماعی ۰/۱۴۲- واحد کم می‌شود (جدول ۶). این یافته همسو با یافته‌های عنبری و حقی (۱۳۹۲) مبنی بر بیشتر بودن میزان نشاط اجتماعی جوانان و نوجوانان، نسبت به افراد میان‌سال است، همچنین پژوهشگران دانشگاه وارویک انگلستان و آیزنک (۱۳۷۵) نیز به تأثیر سن بر شادمانی پی برده‌اند، آرگایل نیز در بررسی خود دریافت که عاطفه مثبت و رضامندی، با افزایش سن، کمی افزایش و عاطفه منفی، با افزایش سن، کاهش می‌یابد، درحالی‌که بر اساس بررسی‌های دانشگاه میشیگان، سن تأثیری در شادمانی نداشته است (به نقل از عنبری و حقی، ۱۳۹۲). به‌علاوه نتایج تحقیق گورین و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۶۰) مؤید نتیجه‌ی تحقیق حاضر است- آن‌ها در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که با افزایش سن، نشاط کاهش می‌یابد. از نظر آن‌ها گروه‌های سنی مختلف سطوح متفاوتی از نشاط دارند. گروه سنی ۵۵ سال به بالا دارای حداقل نشاط اند درحالی‌که گروه‌هایی که در رده سنی کمتر از ۳۰ سال قرار دارند نسبت به گروه‌هایی با رده سنی ۳۹-۳۰ سال از نشاط بیشتری برخوردارند (افشانی، ۱۳۹۲). این در حالی است که مطالعات بین‌المللی زیادی نشان می‌دهند که دوره سنی معینی را نمی‌توان به شاد بودن یا ناشادی مرتبط کرد. مطالعه اینگلهارت در دهه‌ی ۱۹۹۰ در ۱۶ کشور مختلف این موضوع را تأیید می‌کند؛ در این باره باید توضیح داد که عوامل تبیین‌گر شادی ممکن است همراه با سن تغییر کنند، به عنوان مثال در دوره نوجوانی برخلاف دوره بزرگسالی نوسانات بیشتری از حالات شادی یا ناشادی در افراد وجود دارد؛ اما شاخص‌های دیگر مانند میزان رضایت از روابط اجتماعی و سلامت بدنی، برای سنین بالاتر مهم‌ترند (عنبری، ۱۳۹۱) و درنهایت متغیر تحصیلات به دلیل عدم توانایی

پیش‌بینی نشاط اجتماعی از مدل حذف شد. یافته‌های مطالعه حاضر با نتایج مطالعه‌ی کشاورز، مولوی و کلانتری (۱۳۸۷) و شمیل<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) هم‌راستا و با نتایج مطالعات افشانی (۱۳۹۲) و ادینگتون و شومن<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) هم‌راستا نیست. به نظر می‌رسد که مطابقت نداشتن موقعیت‌های شغلی به وجود آمده با سطح تحصیلات، ناکامی شخص را موجب شده است و این امر آثار زیان‌بخشی را بر نشاط فرد می‌گذارد.

با توجه به نتایج تحقیق حاضر، به نظر می‌رسد فراهم‌سازی زمینه‌های نشاط و سرزندگی زنان از طریق بهبود مهارت‌های روانی و اجتماعی‌شان از یک‌سو و زمینه‌سازی جهت توسعه حضور برابر و فعالشان در جامعه در قالب مشارکت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از سوی دیگر مهم و شایان توجه است؛ این امر به‌واسطه‌ی رفع فاصله‌های طبقاتی و فراهم‌سازی ارتقای سطوح پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی با درهم شکستن ساختارهای مردسالارانه، تبعیض‌آمیز و جنسیت‌محور فراهم می‌آید. به نظر می‌رسد از طریق آگاه کردن زنان از حقوق شهروندی و قانونی‌شان در قبال یکدیگر و جامعه و آگاه‌سازی و الزام سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی به رعایت حقوق شهروندی مساوات‌طلبانه این گروه از جامعه، زمینه‌های کاهش شکاف بین واقعیت‌ها و خواسته‌های حقیقی زنان مهیا خواهد شد که این امر می‌تواند افزایش سطح نشاط زنان جامعه را موجب شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

1 Schimmel

2 Eddington & Shuman

## منابع

- آرگایل، مایکل. (۱۳۸۳). روان‌شناسی شادی، ترجمه‌ی مسعود گوهری انارکی، حمید طاهر نشاط دوست، حسن پاهلنگ و فاطمه بهرامی، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- آیزنگ، مایکل. (۱۳۷۵). روان‌شناسی شادی (حقایق و افسانه‌ها)، ترجمه‌ی محمد فیروز بخت و خلیل بیگی. تهران: بدر.
- اخشی، نازیلا و گلابی، فاطمه. (۱۳۹۴). مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۶(۳)، ۱۳۹-۱۶۰.
- افشانی، علیرضا. (۱۳۹۲). بررسی میزان نشاط اجتماعی در بین جوانان یزدی و عوامل مرتبط با آن. تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری‌های اجتماعی، ۶۹(۴)، ۱-۲۷.
- پناهی، محمدحسن و امید، مهدی. (۱۳۹۱). رابطه‌ی پایگاه اقتصادی - اجتماعی با سرمایه‌ی فرهنگی: نمونه‌ی موردی شهر تهران. فصلنامه‌ی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، ۵(۱۷)، ۳۳-۶۶.
- تمیزی فر، ریحانه. (۱۳۹۲). نشاط اجتماعی، تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی شهر اصفهان، اصفهان: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شعبه اصفهان.
- حقی، سمیه؛ عنبری، موسی. (۱۳۹۳). بررسی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی زنان مورد مطالعه: زنان مناطق شهری و روستایی شهرستان دلیجان. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۵(۱)، ۱-۲۶.
- خسروی، زهره؛ چراغ ملایی، لیلا. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای تعهد اجتماعی، شادکامی و سلامت روان در دانش‌آموزان و دانشجویان با تأکید بر عامل جنسیت. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۰(۱)، ۷-۳۶.
- رزم‌گر، مهسا؛ اصغری ابراهیم‌آباد، محمدجواد. (۱۳۹۹). نقش سبک‌های حل تعارض در پیش‌بینی رضایت از زندگی زنان متأهل با میانجی‌گری شادکامی. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۸(۱)، ۱۶۰-۲۰۰.



شریف‌زاده، حکیمه‌السادات؛ میرمحمدتبار، سید احمد؛ عدلی پور، صمد. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی در ایران؛ فراتحلیلی از تحقیقات موجود. فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ، ۱۰، (۴۰)، ۱۵۹-۱۸۰.

عنبری، موسی. (۱۳۹۱). بررسی زمینه‌ها و راهکارهای نشاط اجتماعی در ایران. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

عنبری، موسی و حقی، سمیه. (۱۳۹۲). اثرات ریسک‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی زنان. توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۵، (۱)، ۱۳۳-۱۵۸.

قاسمی، وحید؛ اسماعیلی، رضا؛ ربیعی، کامران. (۱۳۸۵). سطح‌بندی سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۶، (۲۳)، ۲۲۵-۲۵۰.

قاسمی، وحید؛ وحید، فریدون؛ ربانی، رسول و ذاکری، زهرا. (۱۳۸۹). شناخت تأثیر طبقه اجتماعی بر نگرش نسبت به جریان نوگرایی در شهر اصفهان. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۱، (۱)، ۴۳-۶۸.

کاظمی پور، شهلا. (۱۳۷۸). الگویی در تعیین پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی شهر تهران. نامه‌ی علوم اجتماعی، ۱۴، (۱۴)، ۱۳۹-۱۷۲.

کشاوری، امیر؛ مولوی، حسین و کلانتری، مهرداد. (۱۳۸۷). رابطه‌ی بین سرزندگی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با شادکامی مردم در مردم شهر اصفهان. مطالعات روان‌شناختی، ۴، (۴)، ۴۵-۶۴.

کیا، علی‌اصغر و امیری، رقیه. (۱۳۹۲). بررسی میزان نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین شهروندان ۶۴-۱۵ سال شهر اهواز. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱، (۲)، ۱۲۹-۱۴۱.

گال، مردیت؛ بورگ، والتر و گال، جویس. (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ترجمه احمدرضا نصر اصفهانی، جلد اول، تهران: سمت.

- مرادی، سجاد و هزارجریبی، جعفر. (۱۳۹۸). تحلیل عوامل و راهبردهای مؤثر بر ارتقای شادکامی در استان ایلام. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۰(۱)، ۳۹-۷۲.
- موسوی، سیده افروز؛ پیوسته‌گر، مهرانگیز و پور شهریاری، مه‌سیما. (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش مهارت‌های خود نظم‌بخشی بر شادکامی دانش‌آموزان دختر اول دبیرستانی. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۸(۱۴)، ۱۰۳-۱۲۰.
- منصف، عبدالعلی؛ معلمی، مژگان؛ بیابانی، جهانگیر؛ نجاتی، مهدی و طاهری زاده اناری پور، جواد. (۱۳۹۸). بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر شادی در کشورهای منتخب: رهیافت رگرسیون آستانه‌ای پانل. *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۹(۳۶)، ۱۵-۳۴.
- میکائیلی، جعفر؛ خورسندی، مرتضی؛ همایونی، فاطمه سادات. (۱۳۹۶). بررسی نقش عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر شادی (مطالعه موردی جمعیت فعال شهر تهران). *فصلنامه پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۳(۱۲)، ۱-۴۱.
- میلر، دلبرت. (۱۳۸۰). *راهنمای سنجش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه‌ی هوشنگ نایبی، تهران، نشر نی.
- هزارجریبی، جعفر و صفری شالی، رضا. (۱۳۸۹). بررسی مفهوم شادکامی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی در استان مرکزی). *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۱(۳)، ۳۱-۷۲.
- هزارجریبی، جعفر و مرادی، سجاد. (۱۳۹۶). درک شهروندان از معانی و تعاریف شادکامی (پژوهشی کیفی در استان ایلام). *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۹(۳۳)، ۷۷-۱۳۴.
- Afshani, S.A. (2013). An investigation of social happiness among the youth in the city of Yazd and the factors affecting it. *Journal of Social Analysis of Order and Social Inequality*, 7(2), 1-27. [Text in Persian]
- Akhshi, N., & Golabi, F. (2015). Social happiness and social participation. *Journal of Applied Sociology*, 26(3), 139-160. [Text in Persian]
- Anbari, M. (2012). *The study of Grounds and Strategies for Increasing Social Happiness in Iran*. Tehran: Supreme Council for the Cultural Revolution. [Text in Persian]



- Anbari, M., & Haghi, S. (2013). Effects of social risks on women's social happiness. *Community Development (Rural and Urban Communities)*, 5(1), 133-158. [Text in Persian]
- Argyle, M. (2004). Psychology of happiness. (Translators: Masoud Gohari Anaraki et al). Isfahan: Jihad Daneshgahi (Jan 13, 2002). [Text in Persian]
- Argyle, M., & Lu, L. (1990). Happiness and social skills. *Personality and Individual Differences*, 11(12), 1255-1261.
- Bodenhausen, G. V., Kramer, G. P., & Susser, K. (1994). Happiness and stereotypic thinking in social judgment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 66(4), 621-632.
- Caprara, G. V., & Steca, P. (2005). Affective and social self-regulatory efficacy beliefs as determinants of positive thinking and happiness. *European Psychologist*, 10(4), 275-286.
- Eysenck, M. (1996). *Happiness: Facts and Myths*. (Translators: Mohammad Firoozbakht and Khalil Beigi). Tehran: Badr (June 1, 1994). [Text in Persian]
- Gall, M. D., Borg, W. R., & Gall, J. P. (2007). Educational research: an introduction. (Translators: Ahmad Reza Nasre Isfahani), the First Volume of the Book, Tehran: Samat (January 1, 1989). [Text in Persian]
- Ghasemi, V., Esmaeili, R., & Rabiei, K. (2007). Measurement and ranking of social capital in the townships of Isfahan province. *Refahj*, 6(23), 225-250. [Text in Persian]
- Ghasemi, V., Vahida, F., Rabbani, R., & Zakeri, Z. (2010). The effect of social class on attitude towards modernism in the city of Isfahan. *Journal of Applied Sociology*, 21(1), 43-68. [Text in Persian]
- Haghi, S., & Anbari, M. (2014). A study of personal and social factors impacting women's social happiness research subjects: women in rural and urban areas of Delijan. *Journal of Applied Sociology*, 25(1), 1-26. [Text in Persian]
- Haller, M., & Hadler, M. (2006). How social relations and structures can produce happiness and unhappiness: an international comparative analysis. *Social Indicators Research*, 75, 169-216.
- Hezarjaribi, J., & Moradi, S. (2010). Investigating the concept of social happiness and effective factors on it. *Journal of Social Development & Welfare Planning*, 1(3), 31-72. [Text in Persian]

- Hezarjaribi, J., & Moradi, S. (2018). The meanings and definitions of happiness among citizens (A qualitative study in Illam province). *Journal of Social Development & Welfare Planning*, 9(33), 77-134. [Text in Persian]
- Hills, P., & Argyle, M. (1998a). Positive moods derived from leisure and their relationship to happiness and personality. *Personality and individual differences*, 25, 523-535.
- Hills, P., & Argyle, M. (1998b). Musical and religious experiences and their relationship to happiness. *Personality and individual differences*, 25, 91-102.
- Hills, P., & Argyle, M. (2002). The Oxford happiness questionnaire: a compact scale for the measurement of psychological well-being. *Personality and Individual Differences*, 33, 1071-1082.
- Keshavarz, A., Molavi, H., & Kalantari, M. (2008). The relationship between vitality and demographic variables with happiness in Isfahan population. *Journal of Psychological Studies*, 4(4), 45-64. [Text in Persian]
- Kia, A. A., & Amiri, R. (2017). A study of social happiness and its related factors among 15-64 year-old citizens of Ahvaz city. *Journal of Social Development and Welfare Planning*, 1(2), 129-141. [Text in Persian]
- Khosravi, Z., & Cheragh Mollaei, L. (2012). Social commitment, happiness and mental health among high-school and university students: a comparative study emphasizing gender. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 10(1), 7-36. [Text in Persian]
- Layard, R. (2003). Happiness: Has social science a clue? Delivered On 3, 4, 5 March 2003, At The London School of Economics.
- Leung A., Kier, C., Fung, T., Fung, L., & Sproule, R. (2013). *Searching for Happiness: The Importance of Social Capital*. In: Delle Fave A. (Eds) *the Exploration of Happiness*, Happiness Studies Book Series. Springer, Dordrecht.
- Lu, L., & Gilmour, R. (2004). Culture and conceptions of happiness: Individual oriented and social oriented SWB. *Journal of happiness studies*, 5(3), 269-291.
- Mikaeili, J., Khorsandi, M., & Homayouni, F.H. (2019). Investigating the role of socio-economic factors affecting happiness: a case study of the active population of Tehran. *Journal of Social Work Research*, 3(12), 1-41. [Text in Persian]
- Miller, D.C. (2001). *Handbook of research design and social measurement*, (Translator: Hooshang Nayebi), Tehran: Ney. [Text in Persian]



- Moradi, S., & Hezarjaribi, J. (2019). The study of effective factors and strategies for improve happiness in Ilam. *Journal of Applied Sociology*, 30(1), 39-72. [Text in Persian]
- Monsef, A., Moalemi, M., Biyabani, J., Nejati, M., & Taherizadeh, J. (2019). Investigating economic factors affecting happiness in selected countries: panel threshold regression approach. *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*, 9(36), 15-34. [Text in Persian]
- Mookerjee, R., & Beron, K. (2005). Gender, religion and happiness. *The Journal of Socio-Economics*, 34(5), 674-685.
- Moosavi, S. A., Peyvastegar, M., Pourshahriyari, M. (2010). Effectiveness of self-regal at ion skills training on happiness case of 1st grade high-school girls. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 8(4), 103-120. [Text in Persian]
- Panahi, M. H., & Omid, M. (2012). Relationship between socio-economic status and cultural capital: a case study of Tehran. *Journal of Social Sciences*, 5(17), 33-66. [Text in Persian]
- Razmgar, M., & Asghari Ebrahim Abad, M. (2020). Studying the role of conflict management styles in prediction of life Satisfaction with mediation of happiness in married women. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 18(1), 169-200. [Text in Persian]
- Schimmel, J. (2013). Development as happiness: The subjective perception of happiness and UNDP's analysis of poverty, wealth and development. *In The exploration of happiness* (pp. 281-302). Springer, Dordrecht.
- Sharifzadeh, H., Mirmohammad Tabar, S., & Adlipour, S. (2018). A study of factors affecting social happiness in Iran: a meta-analysis of conducted research. *Journal of Rahbord Farhang*, 10(40), 159-180. [Text in Persian]
- Tamizifar, R. (2013). *Social Happiness: Sociological analysis of factors affecting the social Happiness of Isfahan city*. Isfahan: Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. [Text in Persian]
- Thin, N. (2012). *Thinking ourselves happy: On the policy relevance of both subjectivity and objectivity*. In *Social happiness: Theory into policy and practice*, Bristol, UK; Chicago, IL, USA: Bristol University Press, (pp. 59-68).
- Helliwell, J., Layard, R., & Sachs, J. (2012). World happiness report.
- Yang, Y. (2008). Social inequalities in happiness in the United States, 1972 to 2004: An age-period-cohort analysis. *American sociological review*, 73(2), 204-226.

### نویسندگان

**armin.amir@atu.ac.ir**

دکتر آرمین امیر

استادیار گروه مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی، فارغ التحصیل از دانشگاه تهران، عمده فعالیت ایشان در حوزه مطالعات فرهنگی با تأکید بر خلاقیات ایرانی بوده و دارای تألیفات و مقالات متعدد در مجلات داخلی و خارجی اند.

**s.faeghi@gmail.com**

دکتر سحر فائق

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، فارغ التحصیل از دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، پژوهشگر در حوزه مطالعات فرهنگی با تأکید بر موضوعات فرهنگی، ورزشی و محیط زیستی و مؤلف مقالات علمی- پژوهشی متعدد در مجلات داخلی و خارجی اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## *Measuring Women's Social Happiness Based On Their Socioeconomic Status in Isfahan City*

Armin Amir<sup>1</sup>  
Sahar Faeghi<sup>2\*</sup>

### Abstract

The present study aims to measure the social happiness of Isfahan women based on their socioeconomic status. Research is based on a quantitative approach and the data gathering tool is a two-part questionnaire consisting of demographic information and social happiness scale. For measuring social happiness, the Oxford Happiness Questionnaire (OHQ) was used. The research sample is 395 citizens aged 15 to 65 years in 15 Isfahan urban areas in 2019-2020, which were selected through a multistage cluster sampling method. The results indicate that the level of social happiness in women is significantly below the average ( $p < 0.05$ ). The results of the analysis of variance show that mean differences of some social happiness factors such as satisfaction with life, sociability/empathy, positive outlook, well-being, and self-esteem are significant based on socioeconomic status ( $p < 0.05$ ). Furthermore, social satisfaction varies between the classes such that the lower average is related to the lower class, and the upper class is correlated with the highest. Moreover, among the classes, social happiness varies such that the lowest average is linked to the lower class, and the upper class is related to the highest average. Overall, we find that the socioeconomic status

<sup>1</sup>. Assistant Professor, Department of Cultural Studies, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University. armin.amir@atu.ac.ir

<sup>2</sup>. Ph.D., in Cultural Sociology, Dept. of Management, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University.

\* Corresponding author: s.faeghi@gmail.com

Submit Date: 2020/06/24

Accept Date: 2020/10/31

DOI: 10.22051/JWSPS.2021.31970.2251

and age of women in Isfahan have the power to predict social happiness.

### Keywords

Social Happiness, Women, Socio-Economic Status, Isfahan

### Introduction

Social happiness is considered as one of the significant components of social welfare and development in recent decades and social happiness has found a special place in the literature of development and social and welfare policies (Moradi & Hezarjaribi, 2019: 40). It is a noticeable index to evaluate the performance of the social and cultural system. To put it another way, happiness as a crucial social variable is an index of the development and progress of societies. The principal productive forces of societies are people, and women, who shape one-half of society's population, play a special role in enhancing society's capabilities. Recent and new studies on social research focus on women's happiness, both mentally and physically. One of the new research areas in social studies is to promote vitality and provide solutions to improve women's happiness. Due to the necessity of this important variable in advancing social goals, it becomes more prominent progressively (Anbari & Haghi, 2013: 22).

### Research Objectives

- 1-What is the level of social happiness in different classes (upper, middle, and lower) among female citizens of Isfahan city?
- 2- Does the level of social vitality of Isfahan female citizens differ based on their socio-economic status?
- 3- What is the role of demographic characteristics (age, social class, and privilege of the place of residence) in predicting the social happiness of Isfahan female citizens?

### Method

Research in terms of type is quantitative (descriptive, survey). The data gathering tool is a two-part questionnaire consisting of demographic information and social happiness factors. For measuring social happiness, the Oxford Happiness Questionnaire (OHQ), Hills and Argyle (2002), was used with seven elements. The study sample consisted of 395 people aged 15 to 65 years in 15 Isfahan urban areas 2019-2020, using a multi-stage cluster sampling method. Social happiness was examined in the lower, middle, and upper classes.



Class stratification was carried out based on the socio-economic status index which is consistent with Max Weber's stratification theory.

### **Findings and Results**

The results indicate that the mean of the social happiness variable and all its dimensions were significantly lower than the hypothetical mean. This means that the level of social happiness and its dimensions are lower than average among women living in Isfahan. It is noteworthy that the highest average factor of social happiness and its dimensions are allocated to the upper class (with an average of 2.9), then the middle class (2.81), and finally the lower class (with an average of 2.66), respectively. According to the socio-economic bases, the mean difference in social happiness and life satisfaction dimensions, empathy, positive outlook, well-being, and self-esteem were significant however the lowest average is related to the low socio-economic base, followed by the highest position in the middle economic base and finally the high socio-economic base. Also, the relationship between socio-economic status and social happiness was reported to be positive and significant. Accordingly, with the increase of women's socio-economic status, social happiness increases by 0.211 units. Statistical analyzes showed that age has a significant and negative relationship with social happiness. Consequently, social happiness decreases by -0.142 units when the age increases, and finally, the education variable is removed from the model due to the inability to predict social happiness.

### **Discussion and conclusion**

According to the results of the present study, it seems that providing opportunities for women's happiness by enhancing their mental and social skills is important and noteworthy. Furthermore, grounding for developing equal and lively presence of women in society in the form of cultural, social, political, and financial partnerships is important and noteworthy. And yet this is achievable by bridging class gaps and providing for the promotion of the socio-economic bases of the society by breaking down patriarchal, discriminatory, and gender-based structures. It seems that the gap between the realities and the real demands of women can be reduced by notifying women of their citizenship rights and their rights towards each other, and informing and obliging governmental and non-governmental organizations to observe equal citizenship rights of this group. This can, in turn, increase their happiness in society.



## References

- Afshani, S.A. (2013). An investigation of social happiness among the youth in the city of Yazd and the factors affecting it. *Journal of Social Analysis of Order and Social Inequality*, 7(2), 1-27. [Text in Persian]
- Akhshi, N., & Golabi, F. (2015). Social happiness and social participation. *Journal of Applied Sociology*, 26(3), 139-160. [Text in Persian]
- Anbari, M. (2012). *The study of Grounds and Strategies for Increasing Social Happiness in Iran*. Tehran: Supreme Council for the Cultural Revolution. [Text in Persian]
- Anbari, M., & Haghi, S. (2013). Effects of social risks on women's social happiness. *Community Development (Rural and Urban Communities)*, 5(1), 133-158. [Text in Persian]
- Argyle, M. (2004). Psychology of happiness. (Translators: Masoud Gohari Anaraki et al). Isfahan: Jihad Daneshgahi (Jan 13, 2002). [Text in Persian]
- Argyle, M., & Lu, L. (1990). Happiness and social skills. *Personality and Individual Differences*, 11(12), 1255-1261.
- Bodenhausen, G. V., Kramer, G. P., & Susser, K. (1994). Happiness and stereotypic thinking in social judgment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 66(4), 621-632.
- Caprara, G. V., & Steca, P. (2005). Affective and social self-regulatory efficacy beliefs as determinants of positive thinking and happiness. *European Psychologist*, 10(4), 275-286.
- Eysenck, M. (1996). *Happiness: Facts and Myths*. (Translators: Mohammad Firoozbakht and Khalil Beigi). Tehran: Badr (June 1, 1994). [Text in Persian]
- Gall, M. D., Borg, W. R., & Gall, J. P. (2007). Educational research: an introduction. (Translators: Ahmad Reza Nasre Isfahani), the First Volume of the Book, Tehran: Samat (January 1, 1989). [Text in Persian]
- Ghasemi, V., Esmaeili, R., & Rabiei, K. (2007). Measurement and ranking of social capital in the townships of Isfahan province. *Refahj*, 6(23), 225-250. [Text in Persian]
- Ghasemi, V., Vahida, F., Rabbani, R., & Zakeri, Z. (2010). The effect of social class on attitude towards modernism in the city of Isfahan. *Journal of Applied Sociology*, 21(1), 43-68. [Text in Persian]
- Haghi, S., & Anbari, M. (2014). A study of personal and social factors impacting women's social happiness research subjects: women in rural and urban areas of Delijan. *Journal of Applied Sociology*, 25(1), 1-26. [Text in Persian]



- Haller, M., & Hadler, M. (2006). How social relations and structures can produce happiness and unhappiness: an international comparative analysis. *Social Indicators Research*, 75, 169–216.
- Hezarjaribi, J., & Moradi, S. (2010). Investigating the concept of social happiness and effective factors on it. *Journal of Social Development & Welfare Planning*, 1(3), 31-72. [Text in Persian]
- Hezarjaribi, J., & Moradi, S. (2018). The meanings and definitions of happiness among citizens (A qualitative study in Illam province). *Journal of Social Development & Welfare Planning*, 9(33), 77-134. [Text in Persian]
- Hills, P., & Argyle, M. (1998a). Positive moods derived from leisure and their relationship to happiness and personality. *Personality and individual differences*, 25, 523-535.
- Hills, P., & Argyle, M. (1998b). Musical and religious experiences and their relationship to happiness. *Personality and individual differences*, 25, 91-102.
- Hills, P., & Argyle, M. (2002). The Oxford happiness questionnaire: a compact scale for the measurement of psychological well-being. *Personality and Individual Differences*, 33, 1071-1082.
- Keshavarz, A., Molavi, H., & Kalantari, M. (2008). The relationship between vitality and demographic variables with happiness in Isfahan population. *Journal of Psychological Studies*, 4(4), 45-64. [Text in Persian]
- Kia, A. A., & Amiri, R. (2017). A study of social happiness and its related factors among 15-64 year-old citizens of Ahvaz city. *Journal of Social Development and Welfare Planning*, 1(2), 129-141. [Text in Persian]
- Khosravi, Z., & Cheragh Mollaei, L. (2012). Social commitment, happiness and mental health among high-school and university students: a comparative study emphasizing gender. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 10(1), 7-36. [Text in Persian]
- Layard, R. (2003). Happiness: Has social science a clue? Delivered On 3, 4, 5 March 2003, At The London School of Economics.
- Leung A., Kier, C., Fung, T., Fung, L., & Sproule, R. (2013). *Searching for Happiness: The Importance of Social Capital*. In: Delle Fave A. (Eds) *the Exploration of Happiness*, Happiness Studies Book Series. Springer, Dordrecht.
- Lu, L., & Gilmour, R. (2004). Culture and conceptions of happiness: Individual oriented and social oriented SWB. *Journal of happiness studies*, 5(3), 269-291.
- Mikaeili, J., Khorsandi, M., & Homayouni, F.H. (2019). Investigating the role of socio-economic factors affecting happiness: a case study of the



- active population of Tehran. *Journal of Social Work Research*, 3(12), 1-41. [Text in Persian]
- Miller, D.C. (2001). *Handbook of research design and social measurement*, (Translator: Hooshang Nayebi), Tehran: Ney. [Text in Persian]
- Moradi, S., & Hezarjaribi, J. (2019). The study of effective factors and strategies for improve happiness in Ilam. *Journal of Applied Sociology*, 30(1), 39-72. [Text in Persian]
- Monsef, A., Moalemi, M., Biyabani, J., Nejati, M., & Taherizadeh, J. (2019). Investigating economic factors affecting happiness in selected countries: panel threshold regression approach. *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*, 9(36), 15-34. [Text in Persian]
- Mookerjee, R., & Beron, K. (2005). Gender, religion and happiness. *The Journal of Socio-Economics*, 34(5), 674-685.
- Moosavi, S. A., Peyvastegar, M., Pourshahriyari, M. (2010). Effectiveness of self-regal at ion skills training on happiness case of 1st grade high-school girls. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 8(4), 103-120. [Text in Persian]
- Panahi, M. H., & Omidi, M. (2012). Relationship between socio-economic status and cultural capital: a case study of Tehran. *Journal of Social Sciences*, 5(17), 33-66. [Text in Persian]
- Razmgar, M., & Asghari Ebrahim Abad, M. (2020). Studying the role of conflict management styles in prediction of life Satisfaction with mediation of happiness in married women. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 18(1), 169-200. [Text in Persian]
- Schimmel, J. (2013). Development as happiness: The subjective perception of happiness and UNDP's analysis of poverty, wealth and development. *In The exploration of happiness* (pp. 281-302). Springer, Dordrecht.
- Sharifzadeh, H., Mirmohammad Tabar, S., & Adlipour, S. (2018). A study of factors affecting social happiness in Iran: a meta-analysis of conducted research. *Journal of Rahbord Farhang*, 10(40), 159-180. [Text in Persian]
- Tamizifar, R. (2013). *Social Happiness; Sociological analysis of factors affecting the social Happiness of Isfahan city*. Isfahan: Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. [Text in Persian]
- Thin, N. (2012). *Thinking ourselves happy: On the policy relevance of both subjectivity and objectivity*. *In Social happiness: Theory into policy and practice*, Bristol, UK; Chicago, IL, USA: Bristol University Press, (pp. 59-68).
- Helliwell, J., Layard, R., & Sachs, J. (2012). World happiness report.

Yang, Y. (2008). Social inequalities in happiness in the United States, 1972 to 2004: An age-period-cohort analysis. *American sociological review*, 73(2), 204-226.



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی